

آزادی ایران ۲

آزاد بخوانان ایران متحد شوید!

بهاه: ۵ فرانک

دی ۱۳۶۳

دشمن اصلی مردم ایران کیست؟

جمشید آریانپور

۱- سردرگمی رهبران و روشنفکران

فرعی و غیر عمد همد میگرد ، بعلمت آن نیست که دشمن اصلی راهبران و روشنفکران ما شاید نمی شناسند و یا فراموش کرده اند ؟ آیا کمرخ را در هکنیروهای مبارز و مخالف رژیم اسلامی بجای هدف قرار دادن دشمن اصلی بکند یگر امور و حطه قرار داد هود بین ترتیب مرز بین دشمنان واقعی و دوستان حقیقی مردم مرامخودش نمود و دست رابجای دشمن قلمداد کرده اند ؟ ما بانمونه های بیشمار از این تشتت فکری و عدم مرز بندی روشن بین دشمن اصلی و دوستان واقعی مردم روبرو هستیم که آخرین آن درگیری بین حزب د مکران کدستان و کومله (۱) میباشد . البته درگیریهای نظامی بارها بین حزب د مکران کدستان و کومله رخ داد که هر بار کلیه

بقیه در صفحه ۲

شاید خواننده عزیز از تیترا این مقاله کمی تعجب کند و بیان دارد : این موضوع بقدری واضح است که هر کدک دستانی هم ممکن است به آن پاسخ گوید . بقول معروف " آنچه که عیان است چه حاجت به بیان است . " ولی با کمال تاسف باید اذعان کرد که اکثر قریب باتفاق رهبران و روشنفکران ما هنوز نتوانسته اند این مسئله بزرگ و اساسی را با صراحت و روشنی جواب دهند . برآستی اگر رهبران و روشنفکران ما این موضوع مهم را بد رستی نشان داد و همه میدانستند دشمن اصلی مردم ایران کیست آیا این همه تشتت ، سردرگمی و چند دستگی های غیر اصولی و خصمانه ای که نیروهای آزاد یخواه با آن روبرو هستند ، لا اقل تا حد و دی گاهش نمی یافت ؟ آیا آن انرژی و نیروی که امروز در راه اختلافات وجد الهای بیشمار

گزارشی:

درباره جلسه جامعه های دفاع از

حقوق بشر

بد نیال "قراخوان" و دعوتی که از طرف دفتر هماهنگی جامعه های دفاع از حقوق بشر در ایران بمناسبت سالروز صد و " اعلامیه جهانی حقوق بشر" بعمل آمد ، برنامه مخصوصی در تاریخ دوشنبه دهم دسامبر ۸۴ (برابر با ۱۹ آذر ۶۳) در پاریس برگزار گردید که با استقبال بقیه در صفحه ۴

"پرده برداری از رازهای پنهان

شیطان بزرگ"

(پیرامون اشغال سفارت آمریکا)

خط امام" جلب نظر میکند . (۴ آبان ۶۳ کیهان) اخیرا در راهمایی بمناسبت اشغال سفارت آمریکا کسه در تهران برگزار گردید ، راهمییان طی قطعنامه ای خواستار " تد ریس اسناد لانه جاسوسی و تحقیق پیرامون سیاستهای آمریکادر بقیه در صفحه ۴

بیش از ه سال است که از تسخیر سفارت آمریکا بدست " دانشجویان پیرو خط امام" میگذرد . پس از گذشت این مدت بانگاهی به روزنامه های رژیم جمهوری اسلامی هنوز هم عناوین و تیتراهایسی از قبیل : " پرده برداری از رازهای پنهان شیطان بزرگ" بوسیله " دانشجویان پیرو

دشمن اصلی مردم

نیروهای آزاد یخواه را بسیار متاسف و اندوهگین نمود و رژیم اسلامی و طرفدارانش را شاد و راضی کرد. راست. در این میان سازمان مجاهدین خلق ایران با مطرح کردن شعار "مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی" دشمن اصلی را در فرد خمینی خلاصه میکند و می پندارد که با مرگ وی رژیم هم به پایان خواهد رسید. در حالیکه آقای بنی صدر هفتمان و دشمن دولت عراق رژیم جمهوری اسلامی - را اصلی می شمارد و میگوید همزمان باید با هر دو جنگید. برخی دیگر دشمن اصلی را نه درون کشور بلکه در خارج از مرزهای ایران معرفی میکنند. یکی "امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی خلقهای ایران" میدانند و دیگری اتحاد شوروی را و سومی عراق و یس آنگلیس را، از طرفی رژیم جمهوری اسلامی اکثر آن را بر قدرت آمریکا و شوروی "را دشمن اصلی معرفی مینماید. در حالیکه دو جناح متخاصم درون رژیم اسلامی هر کدام، یکی آمریکا را شیطان بزرگ میخواند و دیگری اتحاد شوروی را و شخص خمینی هم بمناسبتهای مختلف گاه آمریکا، گاه شوروی و گاه انگلیس و گاه هر سه را دشمن اصلی مردم ایران معرفی میکند. بنابراین خواننده عزیز ملاحظه میکند که مسئله کمی پیچیده است و عدل همین مسئله و سر خورد غلط ناشی از آن است که اختلافات و درگیریهای غیر اصولی و فرعی در درون اپوزیسیون به دشمنیهای کینهتوزانه و اصلی تبدیل شده است.

به همین دلیل پرداختن به این مسئله - که دشمن اصلی مردم ایران کیست؟ - یکی از اصولی ترین و مهمترین وظایف کلیه آزاد یخواهان و نیروهای ملی و مکررات است. و تا این مسئله اصولی و عمد حل نگردد، جدالها و کشمکشهای غیر اصولی ادامه خواهد داشت و مسئله تا بد آنجا رسد که حتی گروهی سازمان مجاهدین خلق ایران را بدتر از رژیم جمهوری اسلامی قلمداد میکند. و با اختلافات بصورت درگیریهای نظامی متبلور میگردد. بدین ترتیب گره کوری که میبایست بسدست آزاد یخواهان ایران بازگردد، باز نخواهد شد و رژیم اسلامی چها خمینی و یابدون وی بحیات خود ادامه میدهد.

۲- آیا دشمن اصلی داخلی است یا خارجی؟

یکی از اساسی ترین وظایف رهبران سیاسی در جنگها، مبارزات و جنبشهای حق طلبانه مشخص نمودن دشمن اصلی است. شناخت دقیق و برخورد صحیح به این مسئله میتواند بعنوان یکی از عوامل اصلی در شکست و یا پیروزی

محسوب گردد. تاریخ مبارزات و جنبشهای ملی در طول تاریخ معاصر ایران و شناخت رهبران سیاسی از دشمنان واقعی و دوستان حقیقی همواره عامل اصلی پیروزیها و شکستها بوده است. برای روشن نمودن مسئله میتوان پرسید که: چرا مبارزات ضد استعماری و ملی در انقلاب مشروطیت و جنبش ملی بهربری دکتر مصدق شکست خورد؟ آیا اگر سران انقلاب مشروطیت و دکتر مصدق ارزیابی صحیح، علمی و دروآندیشانه از شرایط مشخص آن دوران جامعه ایران ارائه میدادند و در درون کشور میتوانستند با در نظر گرفتن تضادهای عمده و غیر عمده و تفکیک آنان از هم و شناخت از دشمن اصلی درونی و دوستان حقیقی، مردم ایران را در سازمان متشکل و نیرومند متحد کنند، هیچ قدرت بزرگ خارجی نمیتوانست ایران را به زانو افکند و یاکودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بر مرحله عمل در آورد؟

متاسفانه رهبران ما چون نخواستند و نتوانستند - بسا در و آندیشی، از خود گذشتگی و قابلیت که لازمه پیروزی يك ملت ستمدیده و دردمند میباشد - از و شکست بزرگ و سرنوشت سازد مبارزات ضد استعماری و مکرراتیک آموخته و در عمل به نتیجه گیری بپردازند، ملت ایران متحمل شکست موحش بزرگ دیگری که آنهم روی کار آمدن يك رژیم مذہبی فاشیستی بود، شد. میگویند، تاریخ يك ملت همواره مسیر صعودی و تکاملی را طی نمیکند و گهگاه میباید آید که منتها حرکت يك جامعه متوقف میگردد، بلکه سیر نزولی و عقب گرد راهمی بیناید ولی گویا در ایران، تاریخ ۸ ساله اخیر تنها سیر نزولی را پیموده و این ضرب المثل قدیمی که "شکست مادر پیروزی است" در مورد وطن ما صادق نیست. بنابراین مسئولیت سنگینی که بد و راز شعارها و انشائونویسیهای متداول بر شان آزاد یخواهان ایران سنگینی میکند اینست که نه از و شکست بلکه از سه شکست و بیش از همه از شکست طموس کنونی که مراتب سخت تر و بزرگتر از و شکست قبلی است - یعنی روی کار آمدن رژیم کنونی - عبرت گرفته و به جمع بندی علمی و راهگشا برای راه حلها علمی بپردازند.

البته برای تجزیه و تحلیل يك شیئی باید دید که باید قبل از هر چیز ویژگیها و تضادهای درونی عمد و غیر عمد را مورد تفکیک و بررسی قرار داد و اینکه چرا يك شیئی باید دید در گرونی شده و یا تغییر میباید بستگی به علل و رشد تضادهای درونی آن شیئی و یابدید دارد. برای مثال در گرونی اوضاع ایران در بهمن ۷۵ که موجب روی کار آمدن رژیم اسلامی گردید را میبایست نه در توطئه و برنامه ریزیها و در خالتهای قدرتهای

دشمن اصلی مردم

نیروهای آزاد یخواه را بسیار متاسف و اندوهگین نمود و رژیم اسلامی و طرفدارانش را شاد و راضی کرد. در این میان سازمان مجاهدین خلق ایران با مطرح کردن شعار "مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی" دشمن اصلی را در فرد خمینی خلاصه میکند و می پندارد که با مرگ وی رژیم هم به پایان خواهد رسید. در حالیکه آقای بنی صدر هفتمان و دشمن دولت عراق رژیم جمهوری اسلامی - را اصلی می شمارد و میگوید همزمان باید با هر دو جنگید. برخی دیگر دشمن اصلی را نه درون کشور بلکه در خارج از مرزهای ایران معرفی میکنند. یکی "امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی خلقهای ایران" میدانند و دیگری اتحاد شوروی را و سومی عراق و یس آنگلیس را، از طرفی رژیم جمهوری اسلامی اکثر آن را بر قدرت آمریکا و شوروی "را دشمن اصلی معرفی مینماید. در حالیکه دو جناح متخاصم درون رژیم اسلامی هر کدام، یکی آمریکا را شیطان بزرگ میخواند و دیگری اتحاد شوروی را و شخص خمینی هم بمناسبتهای مختلف گاه آمریکا، گاه شوروی و گاه انگلیس و گاه هر سه را دشمن اصلی مردم ایران معرفی میکند. بنابراین خواننده عزیز ملاحظه میکند که مسئله کمی پیچیده است و عدل همین مسئله و سر خورد غلط ناشی از آن است که اختلافات و درگیریهای غیر اصولی و فرعی در درون اپوزیسیون به دشمنیهای کینهتوزانه و اصلی تبدیل شده است.

به همین دلیل پرداختن به این مسئله - که دشمن اصلی مردم ایران کیست؟ - یکی از اصولی ترین و مهمترین وظایف کلیه آزاد یخواهان و نیروهای ملی و مکررات است. و تا این مسئله اصولی و عمد حل نگردد، جدالها و کشمکشهای غیر اصولی ادامه خواهد داشت و مسئله تا بد آنجا رسد که حتی گروهی سازمان مجاهدین خلق ایران را بدتر از رژیم جمهوری اسلامی قلمداد میکند. و با اختلافات بصورت درگیریهای نظامی متبلور میگردد. بدین ترتیب گره کوری که میبایست بسدست آزاد یخواهان ایران بازگردد، باز نخواهد شد و رژیم اسلامی چها خمینی و یابدون وی بحیات خود ادامه میدهد.

۲- آیا دشمن اصلی داخلی است یا خارجی؟

یکی از اساسی ترین وظایف رهبران سیاسی در جنگها، مبارزات و جنبشهای حق طلبانه مشخص نمودن دشمن اصلی است. شناخت دقیق و برخورد صحیح به این مسئله میتواند بعنوان یکی از عوامل اصلی در شکست و یا پیروزی

محسوب گردد. تاریخ مبارزات و جنبشهای ملی در طول تاریخ معاصر ایران و شناخت رهبران سیاسی از دشمنان واقعی و دوستان حقیقی همواره عامل اصلی پیروزیها و شکستها بوده است. برای روشن نمودن مسئله میتوان پرسید که: چرا مبارزات ضد استعماری و ملی در انقلاب مشروطیت و جنبش ملی بهربری دکتر مصدق شکست خورد؟ آیا اگر سران انقلاب مشروطیت و دکتر مصدق ارزیابی صحیح، علمی و دروآندیشانه از شرایط مشخص آن دوران جامعه ایران ارائه میدادند و در درون کشور میتوانستند با در نظر گرفتن تضادهای عمده و غیر عمده و تفکیک آنان از هم و شناخت از دشمن اصلی درونی و دوستان حقیقی، مردم ایران را در سازمان متشکل و نیرومند متحد کنند، هیچ قدرت بزرگ خارجی نمیتوانست ایران را به زانو افکند و یاکودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بر مرحله عمل در آورد؟

متاسفانه رهبران ما چون نخواستند و نتوانستند - بسا در و آندیشی، از خود گذشتگی و قابلیت که لازمه پیروزی يك ملت ستمدیده و دردمند میباشد - از و شکست بزرگ و سرنوشت سازد مبارزات ضد استعماری و مکرراتیک آموخته و در عمل به نتیجه گیری بپردازند، ملت ایران متحمل شکست موحش بزرگ دیگری که آنهم روی کار آمدن يك رژیم مذہبی فاشیستی بود، شد. میگویند، تاریخ يك ملت همواره مسیر صعودی و تکاملی را طی نمیکند و گهگاه میباید آید که نه تنها حرکت يك جامعه متوقف میگردد، بلکه سیر نزولی و عقب گرد راهمی بیناید ولی گویا در ایران، تاریخ ۸ ساله اخیر تنها سیر نزولی را پیموده و این ضرب المثل قدیمی که "شکست مادر پیروزی است" در مورد وطن ما صادق نیست. بنابراین مسئولیت سنگینی که بد و راز شعارها و انشائونویسیهای متداول بر شان آزاد یخواهان ایران سنگینی میکند اینست که نه از و شکست بلکه از سه شکست و بیش از همه از شکست طموس کنونی که مراتب سخت تر و بزرگتر از و شکست قبلی است - یعنی روی کار آمدن رژیم کنونی - عبرت گرفته و به جمع بندی علمی و راهگشا برای راه حلها علمی بپردازند.

البته برای تجزیه و تحلیل يك شیئی باید دید که باید قبل از هر چیز ویژگیها و تضادهای درونی عمد و غیر عمد را مورد تفکیک و بررسی قرار داد و اینکه چرا يك شیئی باید دید در گرونی شده و یا تغییر میباید بستگی به علل و رشد تضادهای درونی آن شیئی و یابدید دارد. برای مثال در گرونی اوضاع ایران در بهمن ۷۵ که موجب روی کار آمدن رژیم اسلامی گردید را میبایست نه در توطئه و برنامه ریزیها و در خالتهای قدرتهای

امری "منطقی" و "صحیح" جلوه‌گر میشود. بهمین علت است که برخی از افراد و رهبران سیاسی در گذشته و حال در ارای مواضع متزلزلی در قبال رژیم جمهوری اسلامی بود و هستند که نمونه‌هایی از آنرا اخیراً مشاهده کردیم. رژیم‌ها زیرکی تمام از همین مواضع سراپا اشتباه‌آمیز و انحرافی بهره‌مییجید و آنها را از مسیر مبارزه صحیح یاد دشمن اصلی داخلی دور میکنند.

۳- آیا دشمن اصلی در شخص خمینی خلاصه میشود؟

بسیاری بر این اندیشمیدند که با بمب گذاری ۷ تیرماه ۶۰ در مقر حزب جمهوری اسلامی و کشته شدن قریب به یکصد تن از سران اصلی رژیم، ارکان حاکمیت دولت جمهوری اسلامی در هم فرو خواهد ریخت، اما با سپری شدن روزها نمتنها اتفاق تازه‌ای رخ نداد بلکه رژیم توانست بسرعت جای خالی کسانی را که کشته شدند ببرد با عواملی که از قبل در نظر گرفته بودند پر کرد و بیه تحکیم موقعیت خود ببرد از رژیم اسلامی در این بمب گذاری یکی از مهمترین عناصر خود را از دست داد. بیهود نبود که آقای ویلیام سالیوان (۲) سفیر پیشین آمریکا در ایران بیان کرد: "مرد مورد علاقه و مورد نظر ما برای اداره ایران بهشتی بود، او هم قدرت و فهم راییت اداره ایران را داشت. متأسفانه ۱۰۰۰ او را زمین بردند." (۳) اما فقدان بهشتی و دها تن دیگر از یاران وی که در تشکل حزب جمهوری اسلامی وارگانه‌های رژیم نقش اساسی را بر عهده داشتند گویا کوچکترین خللی در حاکمیت بوجود نیاورد. بمب گذاری بعدی هم که با فاصله دو ماه در تاریخ ۸ شهریورماه ۶۰ روی داد و منجر به کشته شدن رئیس-جمهوری پاهنرو رجایی نخست وزیر رژیم گردید نیز تغییری در اوضاع پدید نیاورد.

از این دو حادثه مهم در طی مدت دو ماهه نتیجه‌های میتوان گرفت؟ جنگ قدرت پیچید هگا مننهان و گاه آشکار که جناح‌های درونی رژیم از روز بوجود آمدن حکومت اسلامی با آن درگیر بودند و در اشکال مختلف بروز کرد بود اکنون بصورت دیگری مطرح میشود. جناح غالب در رژیم اسلامی پس از اشغال سفارت، سقوط دولت بزرگان و جنگ ایران و عراق اکنون بآن درجه از قدرت و تشکل رسید بود که میتوانست با بمب گذاری و زمین بسردن عناصر قدرت جناح مخالف و متخاصم ابتکار عمل را کاملاً در دست گیرد این امر نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی با وجود جنگ ایران و عراق و مشکلات و تضاد های گوناگون در ارای تشکیلات و سازماندهی منظم و پیچید های است. و همین تشکل و سازماندهی است که رهبران، تشوریسین ها و سازماندهندگان بقیه در صفحه ۶

بیگانه بلکه رشد تضاد های درونی و بی شمار جامعه ایران مورد تحقیق و بررسی قرار داد. با وجود اینکه نقش و خالت قدرتهای بزرگ خارجی در تغییر اوضاع ایران بی تاثیر نبود و ولی عوامل و تضاد های بی شمار داخلی بود که بوجود آوردن رژیم جمهوری اسلامی نقش اساسی را بر عهده داشته است. البته در شرایط خاصی اگر یک دولت در موکراتیک و مردم مسی در ایران بوجود آید و در این هنگام میهن ما مورد تجاوز و نظام مسی برخی قدرتهای بیگانه قرار گیرد، مسئله کاملاً شکل دیگری پیدا میکند. در چنین وضعی خواهی نخواهی دشمن اصلی همان دشمن تجاوزگر خارجی است و تمام ملت میبایست برای نجات میهن بیاخیزد و در جنگی سرنوشت ساز تا بیرون راندن دشمن خارجی به مبارزهای همه جانبه دست یازد. ولی در شرایطی که یک دولت مذهبی - فاشیستی ملت ایران را بمبند کشیده و ایران را بیک زندان بزرگ تبدیل کرد و با زیر پا قرار دادن تمام اصول و حقوق بین المللی در جهت منافع و مطامع خاصی، میخواهد "انقلاب اسلامی" خود را صادر نماید و تمام منطقه و شاید جهان را با آشوب بکشد، چه باید کرد؟

در حالیکه تشوریسین های رژیمها زیرکی تمام و با تحریک دولت عراق توانستند جنگ ایران و عراق را بوجود آورند و با مطسح کردن جنگ - بعنوان مسئله اصلی ملت ایران - تمام مشکلات روز افزونی که با آن روبرو بودند را تحت الشعاع قرار دهند، آیا میتوان از "جنگ میهنی" چنین رژیمی دفاع کرد و با تحسنت لوای "حفظ تمامیت ارضی ایران" در شرایط کنونی در لشکر کشی ایران به عراق دشمن اصلی را یک یا چند کشور خارجی دانست؟ و با ابراز کرد که ملت ایران مواجها در دشمن اصلی یکی داخلی و دیگری خارجی است! متأسفانه برخی از افراد، شخصیتها و رهبران سیاسی متوجه این امر نیستند که نمیتوان بنابر اصول علمی و واقعیتهای انکارناپذیر ایران با دشمن اصلی و در وجهه و در یک زمان روبرو بود. همین اشتباه بزرگ سیاسی، آید طولوتیک است که آنان را در شرایط ویژه ای قرار میدهد که گاهی اوقات مجبورند از سیاستهای جنگ طلبانه رژیم طرفداری کنند. بدین ترتیب این گونه رهبران سیاسی مواجها این سوال روشن هستند که: آیا میتوان همزمان در دشمن اصلی داشت؟ اگر جواب این سوال منفی است باید پرسید که آیا این دشمن اصلی میتواند در شرایط کنونی یک دولت خارجی مانند عراق باشد؟ و اگر جواب مثبت است فوراً با این نتیجه میرسیم که رژیم جمهوری اسلامی به دشمن غیر عمد و فرعی تبدیل میشود. و در این حالت خواهی نخواهی در مقابل دشمن اصلی خارجی یعنی دولت عراق امکان همراهی و همکاری در "جنگ میهنی" رژیم به

امری "منطقی" و "صحیح" جلوه‌گر میشود. بهمین علت است که برخی از افراد و رهبران سیاسی در گذشته و حال دارای مواضع متزلزلی در قبال رژیم جمهوری اسلامی بود و هستند که نمونه‌هایی از آنرا اخیراً مشاهده کردیم. رژیم‌ها زیرکی تمام از همین مواضع سراپا اشتباه‌آمیز و انحرافی بهره‌مییجید و آنها را از مسیر مبارزه صحیح یاد دشمن اصلی داخلی دور میکنند.

۳- آیا دشمن اصلی در شخص خمینی خلاصه میشود؟

بسیاری بر این اندیشمیدند که با بمب گذاری ۷ تیرماه ۶۰ در مقر حزب جمهوری اسلامی و کشته شدن قریب به یکصد تن از سران اصلی رژیم، ارکان حاکمیت دولت جمهوری اسلامی در هم فرو خواهد ریخت، اما با سپری شدن روزها نمتنها اتفاق تازه‌ای رخ نداد بلکه رژیم توانست بسرعت جای خالی کسانی را که کشته شدند ببرد با عواملی که از قبل در نظر گرفته بود پر کرد و بیه تحکیم موقعیت خود ببرد از رژیم اسلامی در این بمب گذاری یکی از مهمترین عناصر خود را از دست داد. بیهود نبود که آقای ویلیام سالیوان (۲) سفیر پیشین آمریکا در ایران بیان کرد: "مرد مورد علاقه و مورد نظر ما برای اداره ایران بهشتی بود، او هم قدرت و فهم راییت اداره ایران را داشت. متأسفانه ۱۰۰۰ روز زمین بردند." (۳) اما فقدان بهشتی و دها تن دیگر از یاران وی که در تشکل حزب جمهوری اسلامی وارگانه‌های رژیم نقش اساسی را بر عهده داشتند گویا کوچکترین خللی در حاکمیت بوجود نیاورد. بمب گذاری بعدی هم که با فاصله دو ماه در تاریخ ۸ شهریورماه ۶۰ روی داد و منجر به کشته شدن رئیس-جمهوری پاهنرو رجایی نخست وزیر رژیم گردید نیز تغییری در اوضاع پدید نیاورد.

از این دو حادثه مهم در طی مدت دو ماهه نتیجه‌های میتوان گرفت؟ جنگ قدرت پیچید هگا مننهان و گاه آشکار که جناح‌های درونی رژیم از روز بوجود آمدن حکومت اسلامی با آن درگیر بودند و در اشکال مختلف بروز کرد بود اکنون بصورت دیگری مطرح میشود. جناح غالب در رژیم اسلامی پس از اشغال سفارت، سقوط دولت بازرگان و جنگ ایران و عراق اکنون بآن درجه از قدرت و تشکل رسید بود که میتوانست با بمب گذاری و زمین بسردن عناصر قدرت جناح مخالف و متخاصم ابتکار عمل را کاملاً در دست گیرد این امر نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی با وجود جنگ ایران و عراق و مشکلات و تضاد های گوناگون دارای تشکیلات و سازماندهی منظم و پیچید های است. و همین تشکل و سازماندهی است که رهبران، تشویسین ها و سازماندهندگان بقیه در صفحه ۶

بیگانه بلکه رشد تضاد های درونی و بی شمار جامعه ایران مورد تحقیق و بررسی قرار داد. با وجود اینکه نقش و خالت قدرتهای بزرگ خارجی در تغییر اوضاع ایران بی تاثیر نبود و ولی عوامل و تضاد های بی شمار داخلی بود که بوجود آوردن رژیم جمهوری اسلامی نقش اساسی را بر عهده داشته است. البته در شرایط خاصی اگر یک دولت در موکراتیک و مردم مسی در ایران بوجود آید و در این هنگام میهن ما مورد تجاوز و نظام مسی برخی قدرتهای بیگانه قرار گیرد، مسئله کاملاً شکل دیگری پیدا میکند. در چنین وضعی خواهی نخواهی دشمن اصلی همان دشمن تجاوزگر خارجی است و تمام ملت میبایست برای نجات میهن بیاخیزد و در جنگی سرنوشت ساز تا بیرون راندن دشمن خارجی به مبارزهای همه جانبه دست یازد. ولی در شرایطی که یک دولت مذهبی - فاشیستی ملت ایران را بمبند کشیده و ایران را بیک زندان بزرگ تبدیل کرد و با زیر پا قرار دادن تمام اصول و حقوق بین المللی در جهت منافع و مطامع خاصی، میخواهد "انقلاب اسلامی" خود را صادر نماید و تمام منطقه و شاید جهان را با آشوب بکشد، چه باید کرد؟

در حالیکه تشویسین های رژیمها زیرکی تمام و با تحریک دولت عراق توانستند جنگ ایران و عراق را بوجود آورند و با مطرح کردن جنگ - بعنوان مسئله اصلی ملت ایران - تمام مشکلات روز افزونی که با آن روبرو بودند را تحت الشعاع قرار دهند، آیا میتوان از "جنگ میهنی" چنین رژیمی دفاع کرد و با تحسنت لوای "حفظ تمامیت ارضی ایران" در شرایط کنونی در لشکر کشی ایران به عراق دشمن اصلی را یک یا چند کشور خارجی دانست؟ و با ابراز کرد که ملت ایران مواجها در دشمن اصلی یکی داخلی و دیگری خارجی است! متأسفانه برخی از افراد، شخصیتها و رهبران سیاسی متوجه این امر نیستند که نمیتوان بنابر اصول علمی و واقعیتهای انکارناپذیر ایران با دشمن اصلی و در وجهه و در یک زمان روبرو بود. همین اشتباه بزرگ سیاسی، آید طولوتیک است که آنان را در شرایط ویژه ای قرار میدهد که گاهی اوقات مجبورند از سیاستهای جنگ طلبانه رژیم طرفداری کنند. بدین ترتیب این گونه رهبران سیاسی مواجها این سوال روشن هستند که: آیا میتوان همزمان در دشمن اصلی داشت؟ اگر جواب این سوال منفی است باید پرسید که آیا این دشمن اصلی میتواند در شرایط کنونی یک دولت خارجی مانند عراق باشد؟ و اگر جواب مثبت است فوراً با این نتیجه میرسیم که رژیم جمهوری اسلامی به دشمن غیر عمد و فرعی تبدیل میشود. و در این حالت خواهی نخواهی در مقابل دشمن اصلی خارجی یعنی دولت عراق امکان همراهی و همکاری در "جنگ میهنی" رژیم به

پرده برداری از

مدارس و دانشگاهها و... گشتند.

(۴ آبان ۶۳ کیهان)

به گروگان گرفتن اعضای سفارت آمریکا در ایران یکی از جنجال برانگیزترین و پیچیدترین مسائلی بود که در سطح داخلی و جهانی با زتاب و انعکاس وسیعی داشته است. در طی این مدت پیرامون اشغال سفارت آمریکا، چاپ اسناد سری سفارت، بازداشت و آزادی گروگانها و... از جانب مسئولین رژیم جمهوری اسلامی، گروهها، شخصیت‌های مختلف و همچنین از طرف محافل بین‌المللی مطالب و نظرات ضد و نقیضی ارائه شد. البته پس از گذشت این مدت بسیاری از حقایق پشت پرده می‌انترگشته‌اند.

۱- گروگانگیری

"انقلابی بزرگتر از انقلاب اول!!"

اشغال سفارت در شرایط زمانی خاصی در کشورمان انجام گرفت. این عمل که با برنامه‌ریزی ماه‌ها و پیچیدهای زیر نظر دانشجویان پیرو خط امام به رهبری موسوی خویینی‌ها انجام شد، موجب تغییرات گوناگونی در سیاست‌های داخلی و خارجی رژیم جمهوری اسلامی گردید. دولت بازرگان "سقوط کرد و خمینی اشغال سفارت آمریکا را ۳ انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" نامید. و نقشی که دانشجویان پیرو خط امام "باید ایفا" میکردند به مرحله اجرا درآمد.

در مورد اشغال سفارت آمریکا سوالات بیشتری مطرح می‌شود. چه کسانی اشغال سفارت آمریکا را رهبری کردند؟ دانشجویان پیرو خط امام کیستند و از کجا سر را آوردند؟ چاپ و انتشار اسناد تحت چه شرایط صادر نظر گرفتن چه مسائلی صورت گرفته و می‌گیرد؟ ارمغان اشغال سفارت برای ملت ایران چه بود

و این عمل چه نصیبشان گشت؟ در سطح بین‌المللی با زتاب این مسئله چه بوده است؟

برای پاسخگویی به سوالات فوق‌بیش از هر چیز لازم و ضروری است که آزاد بخوانند ایران اوضاع ایران را قبل و بعد از گروگان‌گیری مورد ارزیابی قرار دهند. اختلافات و کشمکش‌های گروهها و جناح‌های درون حاکمیت را قبل و بعد از این پدیده بررسی نمود و وجود ارتشوری با فیهابروا قعیسات مشخص ایران تکیه نمایند.

از همان آغاز روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی وجود نیروها و گروه‌های گوناگون در درون حاکمیت و همچنین اختلافات بیشمار بین جناح‌های مختلف به چشم می‌خورد. این اختلافات روز بروز گسترش بیشتری می‌یافت. با تسخیر سفارت آمریکا تضادها و کشمکشها بر سر کسب قدرت مشخصاً به نفع جناح مخالف "بازرگان" خاتمه یافت. دولت بازرگان "نخست وزیر محبوب" به یکبار مسقوط نمود. نخستین افشاگریها با "چاپ و انتشار اسناد لانه جاسوسی" در مورد کابینه بازرگان (امیر انتظام...) آغاز گشت و شدت ادامه پیدا کرد. در این عمل رهبران رژیم جمهوری اسلامی نیز مکرراً بیان کردند که "بدون تسخیر لانه جاسوسی ما نمیتوانستیم انقلاب اسلامی را این چنین استوار نگاهداریم." "افشاگریهای اولیه مشخصاً حول عناصر نزدیک به جناح بازرگان در میز و بنی بعد ها این افشاگریها متوجه سایر نیروها، افراد و گروه‌های مخالف گردید.

قبل از اشغال سفارت در دوران کوتاه حکومت دولت بازرگان آزاد بهایی‌سی نسبی در کشورمان وجود داشت. البته این آزاد بها روز بروز محدود تر و کمتر میگشت. اما پس از این عمل، سرکوب و نابودی آزادی، ایجاد جواختناق و رعب

و وحشت بیشتر گشته و تهدیدها و تهمتها و... فزونی یافت. پس از دستگیری امیرانتظامها و میناچی‌ها روند تجا و زو تهدید به حریم مطبوعات بطور روزافزونی شدت گرفت. این اعمال که با نقض ابتداء این ترین آزاد بهاد رژیم‌های گوناگون همراه بود، با انفجار میسب در دفتر روزنامه‌ها مداد و متعطیل کشاندن آن مشهود شد. سپس در ادامه این روند شاهد نمودیم که چگونه هر گروه، هر سازمان و فردی که کوچکترین مخالفتی با رژیم جمهوری اسلامی داشت با برجسب "آمریکائی" عامل صهیونیسم و آمریکا دستگیر، شکنجه و اعدام گشت. از چاپ نشریات مختلف به دلیل اینکه دارای خط مشی "آمریکائی" و "ضد انقلابی" می‌باشند، جلوگیری بعمل آمد. تسخیر سفارت نه در جهت مبارزات ضد امپریالیستی "آنگونه که برخی از گروهها همصد با رژیم عنوان می‌کردند، بلکه دقیقاً در جهت اهداف ارتجاعی و به منظور منحرف کردن افکار عمومی، سوءاستفاده از احساسات مردم و سرگرد نمودن آنان در تظاهرات جلوسفارت و از طرف دیگر ایجاد خفقان و برقراری جو ترور و وحشت بیشتر باید به حساب آورد.

۲- موضع گیریهای نیروها

و گروه‌های مختلف

از میان احزاب و گروه‌های مختلف حزب توده بیش از هر حزب، گروه و سازمانی به طرفداری و حمایت از "دانشجویان پیرو خط امام" پرداخت. و با افتخار بیان نمود که در ردیف نخستین سازمان‌هایی بود که "حمایت خود را از اقدام شجاعانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" اعلام کردند و روزنامه مردم بیشتر صفحاتش را به راهپیمایی‌های باشکوه جلوسفارت و سخنرانی‌های موسوی بقیه در صفحه ه

پرده برداری از

مدارس و دانشگاهها و... گشتند.

(۴ آبان ۶۳ کیهان)

به گروگان گرفتن اعضای سفارت آمریکا در ایران یکی از جنجال برانگیزترین و پیچیدمترین مسائلی بود که در سطح داخلی و جهانی با زتاب و انعکاس وسیعی داشته است. در طی این مدت پیرامون اشغال سفارت آمریکا، چاپ اسناد سری سفارت، بازداشت و آزادی گروگانها و... از جانب مسئولین رژیم جمهوری اسلامی، گروهها، شخصیتهای مختلف و همچنین از طرف محافل بین المللی مطالب و نظرات ضد و نقیضی ارائه شد. البته پس از گذشت این مدت بسیاری از حقایق پشت پرده میآنگشته اند.

۱- گروگانگیری

"انقلابی بزرگتر از انقلاب اول!!"

اشغال سفارت در شرایط زمانی خاصی در کشورمان انجام گرفت. این عمل که با برنامه ریزی ماهرانه و پیچیدهای زیر نظر دانشجویان پیرو خط امام، به رهبری موسوی خوئینیها انجام شد، موجب تغییرات گوناگونی در سیاستهای داخلی و خارجی رژیم جمهوری اسلامی گردید. دولت بازرگان، سقوط کرد و خمینی اشغال سفارت آمریکا را انقلاب بزرگتر از انقلاب اول نامید. و نقشی که دانشجویان پیرو خط امام باید ایفا میکردند به مرحله اجراء آمد.

در مورد اشغال سفارت آمریکا سوالات بیشماری مطرح میآشد. چه کسانی اشغال سفارت آمریکا را رهبری کردند؟ دانشجویان پیرو خط امام کیستند و از کجا سرآوردند؟ چاپ و انتشار اسناد تحت چه شرایط صادر نظر گرفتن چه مسائلی صورت گرفته و میگیرد؟ ارمغان اشغال سفارت برای ملت ایران چه بود

و این عمل چه نصیبشان گشت؟ در سطح بین المللی با زتاب این مسئله چه بوده است؟

برای پاسخگوش به سوالات فوق بیش از هر چیز لازم و ضروری است که آزاد بخوانیم ایران و وضع ایران را قبل و بعد از گروگانگیری مورد ارزیابی قرار دهند. اختلافات و کشمکشهای گروهها و جناحهای درون حاکمیت را قبل و بعد از این پدیده بررسی نمود و وجود ارتشوری با فیهابروا قعیسات مشخص ایران تکیه نمایند.

از همان آغاز روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی وجود نیروها و گروههای گوناگون در درون حاکمیت و همچنین اختلافات بیشمار بین جناحهای مختلف به چشم میخورد. این اختلافات روز بروز گسترش بیشتری مییافت. با تسخیر سفارت آمریکا تضادها و کشمکشها بر سر کسب قدرت مشخصا به نفع جناح مخالف "بازرگان" خاتمه یافت. دولت بازرگان نخست وزیر محبوب، به یکبار مسقوط نمود. نخستین افشاگریها با چاپ و انتشار اسناد لانه جاسوسی در مورد کابینه بازرگان (امیر انتظام...) آغاز گشت و شدت ادامه پیدا کرد. در این عمل رهبران رژیم جمهوری اسلامی نیز مکررا بیان کردند که "بدون تسخیر لانه جاسوسی ما نمیتوانستیم انقلاب اسلامی را این چنین استوار نگاهداریم." افشاگریهای اولیه مشخصا حول عناصر نزدیک به جناح بازرگان در میز و بنی بعد ها این افشاگریها متوجه سایر نیروها، افراد و گروههای مخالف گردید.

قبل از اشغال سفارت در دوران کوتاه حکومت دولت بازرگان آزاد بهاییسی نسبی در کشورمان وجود داشت. البته این آزاد بهیها روز بروز محدود تر و کمتر میگشت. اما پس از این عمل، سرکوب و نابودی آزادی، ایجاد جواختناق و رعب

و وحشت بیشتر گشته و تهدیدها و تهمتها و... فزونی یافت. پس از دستگیری امیرانتظامها و میناچیها روند تجا و زو تهدید به حریم مطبوعات بطور روزافزونی شدت گرفت. این اعمال که با نقض ابتداء این ترین آزادیها در زمینه های گوناگون همراه بود، با انفجار مسبب در دفتر روزنامهها مداد و تعطیل کشاندن آن مشهود شد. سپس در ادامه این روند شاهد نمودیم که چگونه هر گروه، هر سازمان و فردی که کوچکترین مخالفتی با رژیم جمهوری اسلامی داشت با برجسب "آمریکائی" عامل صهیونیسم و آمریکا دستگیر، شکنجه و اعدام گشت. از چاپ نشریات مختلف به دلیل اینکه دارای خط مشی "آمریکائی" و "ضد انقلابی" میباشند، جلوگیری بعمل آمد. تسخیر سفارت ندر جهت مبارزات ضد امپریالیستی، آنگونه که برخی از گروهها همصد با رژیم عنوان میکردند، بلکه دقیقا در جهت اهداف ارتجاعی و به منظور منحرف کردن افکار عمومی، سوء استفاده از احساسات مردم و سرگرد نمودن آنان در تظاهرات جلوسفارت و از طرف دیگر ایجاد خفقان و برقراری جو ترور و وحشت بیشتر باید به حساب آورد.

۲- موضع گیریهای نیروها

و گروههای مختلف

از میان احزاب و گروههای مختلف حزب توده بیش از هر حزب، گروه و سازمانی به طرفداری و حمایت از دانشجویان پیرو خط امام پرداخت. و با افتخار بیان نمود که در ردیف نخستین سازمانهایی بود که حمایت خود را از اقدام شجاعانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اعلام کردند و روزنامه مردم بیشتر صفحاتش را به راهپیمایی های باشکوه جلوسفارت و سخنرانی های موسوی بقیه در صفحه ه

خوشینی ها اختصاص داد و مرتباً آنان را "دانشجویان واقعا ضد امپریالیست و آگاه و نیروهای انقلابی و مترقی" معرفی نمود. متاسفانه برخی از گروهها و سازمانها نیز همصد با عوامل رژیم و حزب تودشعار دانشجوی خط امام افشاکن، افشاکن... را سردادند و از اقدام ضد امپریالیستی اشغال لانه جاسوسی آمریکا از جانب دانشجویان "قدر دانی و حمایت" کردند. اکنون همگان می بینیم که این "افشاگرها" آنچنان ادامه پیدا کرد که حتی گریبان این سازمانها را گرفت و رژیم با هر چسب عامل آمریکا و ضد انقلاب به سرکوب آنان پرداخت.

برخی از گروههای "چپ" نیز با آنکه ادعای "رهبری مبارزات انقلابی" را بر عهده داشتند، بجای ارائه تحلیلهای علمی و منطبق بر واقعیات ایران گویا در عالم رویا بسربرد مبطوری که در این مورد اینگونه موضع گیری نمودند: اشغال سفارت آمریکا کار خود آمریکا میباشد! (و اما پرسشی که مطرح میگردد این است که چگونه ولت آمریکا میخواست بدست خود چنین شکست سیاسی و لطمه عظیمی را در سطح جهانی متحمل شود؟ آیا هدف آمریکا میتوانست این باشد که بدست خود اسنادی را که سالها برای جمع آوری آن وقت، نیرو و هزینه های بسیاری را مصروف کرد نبود، بدین سادگی را اختیار عموم قرار دهد و باعث "شناسایی و افشای" عوامل و عناصر وابسته به خود گردد؟ در این مورد اظهار نظر تشور پسین های رژیم بدین ترتیب است که "۰۰۰ برای سازمان جنبه سی افشای مسائل تشکیلاتی آن سنگین خواهد بود چرا که تجربیات چندین ساله در جاسوسی و شیوه های مربوط باید در سطح گسترده ای تغییر داد شود" (۱۶ آبان ۶۳ اطلاعات) عد های از رهبران آمریکا نیز اشغال

سفارت و گروگان گیری را شکستی فاحش تر از شکست در جنگ ویتنام میدانند. باید اذعان نمود که اشغال سفارت آمریکا به منافع آمریکا در سطح بین المللی ضرباتی سخت وارد گردیده است. البته ذکر این نکته - به منافع آمریکا ضرباتی وارد گردیده - دلیل بر آن نیست که هرگونه عملی که "ضد آمریکایی" بود عملی مثبت تلقی گردد. قبل از هر چیزی نقطه حرکت ما این است که آیا این عمل در جهت اهداف آزاد ی خواهانه، در جهت خدمت به منافع مردم ایران بود یا نه؟ همانگونه که مشاهده کردیم پس از اشغال سفارت، رژیم خمینی در جهت ایجاد جو خفقان و سرکوب آزاد یها، از این مسئله نهایت درجه بهره برداری را بعمل آورد و در واقع اشغال سفارت هر چند هم که منافع آمریکا را در سطح بین المللی مورد مخاطره قرار داد، اما بهیچوجه در جهت خدمت به منافع مردم ایران نبود.

و همچنین آیا اشغال سفارت یکی از عوامل نبود که باعث سقوط کارتر گشت؟ سیاستمداران آمریکایی خود در این مورد در اوج بحبوحه گروگان گیری و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اینگونه اظهار نظر کردند: "بحران گروگان گیری سبب ناتوانی ماست. بیامریگان اینست: مرا انتخاب کنید تا دیگر مجبور نباشید این مسائل را تحمل کنید."

(نقل از کتاب بحران سخنان پات کادل و همیلتون جردن)

و آیا تشور پسینها و رهبران رژیم خمینی که با برنامه ریزی ظریف و پیچیده ای اشغال سفارت بدست ۰۰۰ "دانشجوی خط امام" را طراحی کردند، در مدت بیش از ۱ سال از مسئله گروگان گیری، از ضعف و تزلزل کارتر بخوبی و نهایت درجه بهره برداری را نکردند؟ و تنها هنگامی

گروگانها را آزاد نمودند که پیروزی ریگان در انتخابات قطعی گشت؟ و یکی از دلایل این مسئله ترس و وحشت عوامل رژیم از تصمیمات بعدی ریگان نبود است؟ حال با تمام این دلایل آیا اشغال سفارت کار خود آمریکا میتواند باشد؟ از طرف دیگر فرد شناخته شده ای چون "بازرگان" برخلاف نظرات فوق در این مورد چنین اظهار نظری نماید:

"من نمی گویم گروگان گیری که مقصد افشاگرها و خیلی چیزهای دیگر شد و دستور پیش طرح شد میا تحریک و توطئه خارجیها - اعم از شوروی، انگلیس و خود آمریکا - بود. پرندها پیرا زود پس خواهد رفت و تاریخ قضاوت خواهد کرد ولی آنچه مسلم است عمل فوق صد درصد با خواسته ها و منافع شوروی انطباقی داشت و بیش از آنچه چیزی دستگیر ما شود، بهره برای آنها داشت.

(انقلاب ایران در حرکت ص ۱۷۷)

در مورد نظرات بازگان و دلایلی که در این مورد ارائه میدهد به قول و تاریخ قضاوت خواهد کرد. ولی با تمام دلایلی که ذکر می نماید، در این مدتی که خون بسیاری از آزاد ی خواهان و نیروهای مخالف بر زمین ریخته شد و هزاران تن در زندانها بسر میبرند چگونه است که ایشان هنوز هم رینا رژیم به فعالیت های "اسلامی" خود مشغول و از اما مزاره انتظار معجزه را دارند؟

رهبران رژیم جمهوری اسلامی در طی این مدت با هیاهوی فراوان از مبارزات "ضد امپریالیستی" سخن راند و مرتباً بیان کردند که "آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند". اما در عمل حتی در رابطه با مسئله گروگانها نیز اذعاهایشان جامه عمل نپوشید و در آخر بر طبق بیانیه الجزایر که قرار بود آمریکا ۱۱ تا ۱۲ میلیارد دلار از حسابهای سد و شد را آزاد نماید، بقیه در صفحه ۹

خوشینی ها اختصاص داد و مرتباً آنان را "دانشجویان واقعا ضد امپریالیست و آگاه و نیروهای انقلابی و مترقی" معرفی نمود. متاسفانه برخی از گروهها سازمانها نیز همصد با عوامل رژیم و حزب تودشعار دانشجوی خط امام افشاکن، افشاکن... را سردادند و از اقدام ضد امپریالیستی اشغال لانه جاسوسی آمریکا از جانب دانشجویان "قدر دانی و حمایت" کردند. اکنون همگان می بینیم که این "افشاگرها" آنچنان ادامه پیدا کرد که حتی گریبان این سازمانها را گرفت و رژیم با هر چسب عامل آمریکا و ضد انقلاب به سرکوب آنان پرداخت.

برخی از گروههای "چپ" نیز تا آنکه ادعای "رهبری مبارزات انقلابی" را بر عهده داشتند، بجای ارائه تحلیلهای علمی و منطبق بر واقعیات ایران گویا در عالم رویا بسربرد مبطوری که در این مورد اینگونه موضع گیری نمودند: اشغال سفارت آمریکا کار خود آمریکا میباشد! (و اما پرسشی که مطرح میگردد این است که چگونه ولت آمریکا میخواست بدست خود چنین شکست سیاسی و لطمه عظیمی را در سطح جهانی متحمل شود؟ آیا هدف آمریکا میتوانست این باشد که بدست خود اسنادی را که سالها برای جمع آوری آن وقت، نیرو و هزینه های بسیاری را مصروف کرد نبود، بدین سادگی را اختیار عموم قرار دهد و باعث "شناسایی و افشای" عوامل و عناصر وابسته به خود گردد؟ در این مورد اظهار نظر تشریحی های رژیم بدین ترتیب است که "۰۰۰ برای سازمان جنبه سیاسی افشای مسائل تشکیلاتی آن سنگین خواهد بود چرا که تجربیات چندین ساله در جاسوسی و شیوه های مربوط باید در سطح گسترده ای تغییر داد شود" (۱۶ آبان ۶۳ اطلاعات) عدای از رهبران آمریکان نیز اشغال

سفارت و گروگان گیری را شکستی فاحش تر از شکست در جنگ ویتنام میدانند. باید اذعان نمود که با اشغال سفارت آمریکا به منافع آمریکا در سطح بین المللی ضرباتی سخت وارد گردیده است. البته ذکر این نکته - به منافع آمریکا ضرباتی وارد گردیده - دلیل بر آن نیست که هرگونه عملی که "ضد آمریکایی" بود عملی مثبت تلقی گردد. قبل از هر چیزی نقطه حرکت ما این است که آیا این عمل در جهت اهداف آزادخواهانه، در جهت خدمت به منافع مردم ایران بود یا نه؟ همانگونه که مشاهده کردیم پس از اشغال سفارت، رژیم خمینی در جهت ایجاد جو خفقان و سرکوب آزادبها، از این مسئله نهایت درجه بهره برداری را بعمل آورد و در واقع اشغال سفارت هر چند هم که منافع آمریکا را در سطح بین المللی مورد مخاطره قرار داد، اما بهیچوجه در جهت خدمت به منافع مردم ایران نبود.

و همچنین آیا اشغال سفارت یکی از عوامل نبود که باعث سقوط کارتر گشت؟ سیاستمداران آمریکایی خود در این مورد در اوج بحبوحه گروگان گیری و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اینگونه اظهار نظر کردند: "بحران گروگان گیری سبب ناتوانی ماست. بیامریگان اینست: مرا انتخاب کنید تا دیگر مجبور نباشید این مسائل را تحمل کنید."

(نقل از کتاب بحران سخنان پات کادل و همیلتون جردن)

و آیا تصور پسینها و رهبران رژیم خمینی که با برنامه ریزی ظریف و پیچیده های اشغال سفارت بدست "دانشجوی خط امام" را طراحی کردند، در مدت بیش از ۱ سال از مسئله گروگان گیری، از ضعف و زلزله کارتریخی و نهایت درجه بهره برداری را نکردند؟ و تنها هنگامی

گروگانها را آزاد نمودند که پیروزی ریگان در انتخابات قطعی گشت؟ و یکی از دلایل این مسئله ترس و وحشت عوامل رژیم از تصمیمات بعدی ریگان نبود است؟ حال با تمام این دلایل آیا اشغال سفارت کار خود آمریکا میتواند باشد؟ از طرف دیگر فرد شناخته شده ای چون "بازرگان" برخلاف نظرات فوق در این مورد چنین اظهار نظری نماید:

"من نمی گویم گروگان گیری که مقصد افشاگرها و خیلی چیزهای دیگر شد و دستور پیش طرح شد میا تحریک و توطئه خارجیها - اعم از شوروی، انگلیس و خود آمریکا - بود. پرنهاد پریازود پس خواهد رفت و تاریخ قضاوت خواهد کرد ولی آنچه مسلم است عمل فوق صد درصد با خواسته ها و منافع شوروی انطباقی داشت و بیش از آنچه چیزی دستگیر ما شود، بهره برای آنها داشت.

(انقلاب ایران در حرکت ص ۱۷۷)

در مورد نظرات بازگان و دلایلی که در این مورد ارائه میدهند به قول و تاریخ قضاوت خواهد کرد. ولی با تمام دلایلی که ذکر می نماید، در این مدتی که خون بسیاری از آزادخواهان و نیروهای مخالف بر زمین ریخته شد و هزاران تن در زندانها بسر میبرند چگونه است که ایشان هنوز هم رهنما رژیم به فعالیت های "اسلامی" خود مشغول و از اما مزارع انتظار معجزه را دارند؟

رهبران رژیم جمهوری اسلامی در طی این مدت با هیاهوی فراوان از مبارزات "ضد امپریالیستی" سخن راند و مرتباً بیان کردند که "آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند". اما در عمل حتی در رابطه با مسئله گروگانها نیز اذعاهایشان جامه عمل نپوشید و در آخر بر طبق بیانیه الجزایر که قرار بود آمریکا ۱۱ تا ۱۲ میلیارد دلار از حسابهای سد و شد را آزاد نماید، بقیه در صفحه ۹

د دشمن اصلی مردم

رژیم را از موقعیت خود مطمئن ساخته است. بنا بر این میتوان برخلاف پیش گوی ها و نظرات مختلف ابراز کرد که رژیم جمهوری اسلامی بدین شخص خمینی هم میتواند بحیات خود ادامه دهد. حال آن کسانی که با ساد ه اندیشی منتظرند با مرگ خمینی اوضاع ناگهان دگرگون شد ه و جناح های د رونی رژیم جانان هم افتند و رژیم سرنگون گردد ، حقیقتا از واقعیت های موجود در ایران بسیار دورند . د ر این جاست که آنان دشمن اصلی را د ر فرد آیت الله خمینی مبینند و نه د رژیم جمهوری اسلامی . د ر این میان سازمان مجاهدین خلق ایران که هرچم مبارز مبر علیه رژیم را برافراشته و حق موضع گیری های واقع بینانه و صحیحی د مرور د جنگ ایران و عراق اتخاذ کرد ه ، متاسفانه رژیم اسلامی را بعنوان يك تشکل وسیستی که بصورت حاکمیت موجود د ایران تیلور یافته نمی بیند ، بلکه با مطرح کردن شعار " مرگ بر خمینی شعار محوری کنونی " تنها شخص خمینی را هدف قرار مید هد . د ر حالیکه آیت الله خمینی تنها سخنگوی چشم و گوش بسته یی اراده رژیم جمهوری اسلامی است که بسویله عناصر زبردست و کارکشتهای هدایت میگردد . وی نهنه سال گذ شته بلکه بطسور مشخص از سالهای ۴۲ به بعد بصورت آلت دست نیروهای مختلف سیاسی د ر آمد ه و به علت بی خریدی و تعصبات خشک مذهبی د انست هویان د انسته همواره مورد استفاد ه الغا کنندگان سیاسی بود ه است . بنا بر این د و ستان عزیز رهبری مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت بجاست د رشعارهای خود نه شخص خمینی بلکه کل رژیم جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن اصلی مردم ایران مطرح کنند و همانگونه که اخیرا د ر انتقاد از خود پیش قد مشد ه و مواضع گذ شته و اشتباه آمیز خود را د ر باره جنگ ایران و عراق مورد بررسی قرار داد ه اند ، این امر مهم و اساسی را روشن کنند که موجب سو غتها و مشکلات بیشتر نگردد .

۴- دشمن اصلی مردم ایران

رژیم جمهوری اسلامی است

اگر د را و اهل روی کار آمدن رژیم مردم نا آگاه با خوش بساوری عوامانه فریب تبلیغات توطئه آمیز و روغین رهبران ، تشویقیها و تبلیغین حکومت اسلامی را خوردند و تصور نمودند که د مکراسی ، آزادی و عدالت اجتماعی د ایران برقرار خواهد شد . اکنون پس از گذشت قریب به ۶ سال و مشا هد ه واقعیت های کنونی د ایران و عملکرد های ضد مردمی حکومت اسلامی بر ملا شدن کلیه شعار های عوام فریبانه ، د یگر هیچگونه تردیدی باقی نمانده

که : رژیم عامل اصلی تمامی آلام و ردهای بیشمار کنونی میباشد و براسستی دشمن اصلی مردم ایران است . تا زمانی که این رژیم به حیات خود ادامه مید هد مردم ایران روی آزادی ، سعادت و خوشبختی و رفاه را نخواهند دید . امروز با اطمینان خاطر میتوان گفت که بجز ۵٪ اقلیتی محدود که منافعی د رگرو حیات حکومت اسلامی است ، ۹۵٪ از مردم ایران عمیقا خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند . رژیم بعثت تشکلی فشرده و سازماندهی همین اقلیت ناچیز و تکیه بر زور سر نیزه و سرکوب مردم و استفاده از نقاط ضعف يك ملت و سپهر مردار از فقر و روز افزون د ر بین طبقات زحمتکش ، مانند هر پدید ه منفی و مخالف مسیر تاریخ توانسته بحیات خود ادامه دهد . ولی باید از عان نمود که تشکل این اقلیت محدود هم یک دست و خالی از اشکال نیست . وجود جناح های د رونی حاکمیت و موضع گیری های متضاد آنان د ر قبال : اشغال سفارت آمریکا ، د ولت بازرگان ، ادامه جنگ ایران و عراق ، مسئله افغانستان ، روابط سیاسی خارجی ، ملی کردن تجارت خارجی ، اصلاحات ارضی و قانون کار و . . . آنان را به د وجناح مخالف و متخاصم تبدیل کرد ه است . البته جناح طرفدار سه مسئله مهم و تعیین کننده د ر سیاست های داخلی و خارجی (یعنی اشغال سفارت آمریکا ، سقوط د ولت بازرگان و ادامه جنگ ایران و عراق) امروز ۷۵٪ از مواضع کلیدی را د ر دست دارند و از نظر سازماندهی و تشکل بسیار قوی میباشند . د ر حالیکه جناح مخالف آنان د ر طی ۶ سال گذ شته روز بروز مواضع خود را از دست داد ه و تشکلی ندارد و از يك پراکندگی فوق العاده ای برخوردار میباشد و د ر نتیجه د ر بسیاری از موارد مجبور است با ترس و لژی سیاسیستهای جناح غالب تن در دهد .

آزاد یخواهان ایران با توجه به وجود اختلافات بین جناح های رقیب ، تشدید این تضاد ها را ب نفع نیروهای مرگ و تضعیف رژیم مید انند . ولی این بهیچوجه معنای آن نیست که بهیچیک از د وجناح ارتجاعی و خائن به ملت امید ببندند و از او انتظار آزادی ایران را داشته باشند . آری امروز د ر یکطرف نیروهای رژیم جمهوری اسلامی (با جناح های د رونی آن) به عنوان دشمن اصلی مردم ایران قرار گرفته و د ر طرف مخالف اکثریت قریب به اتفاق مردم و کلیه آزاد یخواهان ایران قرار دارند . بین این د وجبهه مخالف و متخاصم تضادی آشتی ناپذیر وجود دارد . آزاد یخواهان ایران و نیروهای د مکررات ، ملی و مترقی اگر تمام هم خود را معطوف به مبارزه با این دشمن اصلی مردم ایران کنند ، مطمئنا با وجود تمام اشکالات و اختلافات لزوم

د دشمن اصلی مردم

رژیم را از موقعیت خود مطمئن ساخته است. بنا بر این میتوان برخلاف پیش گوی ها و نظرات مختلف ابراز کرد که رژیم جمهوری اسلامی بدین شخص خمینی هم میتواند بحیات خود ادامه دهد. حال آن کسانی که با ساد ه اندیشی منتظرند با مرگ خمینی اوضاع ناگهان دگرگون شود و جناحهای د رونی رژیم جانان هم افتند و رژیم سرنگون گردد، حقیقتاً از واقعیتهای موجود در ایران بسیار دورند. در این جاست که آنان دشمن اصلی را در فرد آیت الله خمینی مبینند و نه در رژیم جمهوری اسلامی. در این میان سازمان مجاهدین خلق ایران که هرچمبار زهر علیه رژیم را برافراشته و حق موضع گیریهای واقع بینانه و صحیحی در مورد جنگ ایران و عراق اتخاذ کرده، متأسفانه رژیم اسلامی را بعنوان يك تشکل وسیستی که بصورت حاکمیت موجود در ایران تیلور یافته نمی بیند، بلکه با مطرح کردن شعار "مرگ بر خمینی شعار محوری کنونی" تنها شخص خمینی را هدف قرار میدهد. در حالیکه آیت الله خمینی تنها سخنگوی چشم و گوش بسته و بی اراده رژیم جمهوری اسلامی است که بسویله عناصر زبردست و کارکشتهای هدایت میگردد. وی نهنه سال گذشته بلکه بطسور مشخص از سالهای ۴۲ به بعد بصورت آلت دست نیروهای مختلف سیاسی درآمده و به علت بی خریدی و تعصبات خشک مذهبی دانسته و یاند انسته همواره مورد استفاد ه العا کنندگان سیاسی بوده است. بنا بر این در و ستان عزیز رهبری مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت بجاست در شعارهای خود نه شخص خمینی بلکه کل رژیم جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن اصلی مردم ایران مطرح کنند و همانگونه که اخیراً در انتقاد از خود پیش قدمد و مواضع گذشته و اشتباه آمیز خود را در باره جنگ ایران و عراق مورد بررسی قرار داده اند، این امر مهم و اساسی را روشن کنند که موجب سوختن آنهاست و اشکالات بیشتر نگردد.

۴- دشمن اصلی مردم ایران

رژیم جمهوری اسلامی است

اگر در اوایل روی کار آمدن رژیم مردمی ناگهان با خوش بساوری عوامان فزین تبلیغات توطئه آمیز و روئین رهبران، تشویقیها و تبلیغین حکومت اسلامی را خوردند و تصور نمودند که د مکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران برقرار خواهد شد. اکنون پس از گذشت قریب به ۶ سال و مشاهد ه واقعیتهای کنونی در ایران و عملکردهای ضد مردمی حکومت اسلامی و بر ملا شدن کلیه شعارهای عوام فریبانه، دیگر هیچگونه تردیدی باقی نمانده

که: رژیم عامل اصلی تمامی آلام و دردهای بیشمار کنونی میباشد و براسستی دشمن اصلی مردم ایران است. تا زمانی که این رژیم به حیات خود ادامه میدهد مردم ایران روی آزادی، سعادت و خوشبختی و رفاه را نخواهند دید. امروز با اطمینان خاطر میتوان گفت که بجز ۵٪ اقلیتی محدود که منافعی در گرو حیات حکومت اسلامی است، ۹۵٪ از مردم ایران عمیقاً خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند. رژیم بعثت تشکلی فشرده و سازماندهی همین اقلیت ناچیز و تکیه بر زور سر نیزه و سرکوب مردم و استفاده از نقاط ضعف يك ملت و سپهر مردار از فقر و روز افزون در بین طبقات زحمتکش، مانند هر پدید ه منفی و مخالف مسیر تاریخ توانسته بحیات خود ادامه دهد. ولی باید از عان نمود که تشکل این اقلیت محدود هم یک دست و خالی از اشکال نیست. وجود جناحهای د رونی حاکمیت و موضع گیریهای متضاد آنان در قبال: اشغال سفارت آمریکا، دولت بازرگان، ادامه جنگ ایران و عراق، مسئله افغانستان، روابط سیاسی خارجی، ملی کردن تجارت خارجی، اصلاحات ارضی و قانون کار و... آنان را به دو جناح مخالف و متخاصم تبدیل کرده است. البته جناح طرفدار سه مسئله مهم و تعیین کننده در سیاستهای داخلی و خارجی (یعنی اشغال سفارت آمریکا، سقوط دولت بازرگان و ادامه جنگ ایران و عراق) امروز ۷۵٪ از مواضع کلیدی را درست دارند و از نظر سازماندهی و تشکل بسیار قوی میباشند. در حالیکه جناح مخالف آنان در طی ۶ سال گذشته روز بروز مواضع خود را از دست داد و تشکلی ندارد و از يك پراکنده گی فوق العاده ای برخوردار میباشد و در نتیجه در بسیاری از موارد مجبور است با ترس و لژیسیسیستهای جناح غالب تن در دهد.

آزاد یخواهان ایران با توجه به وجود اختلافات بین جناحهای رقیب، تشدید این تضادها را با نفع نیروهای مرگ و تضعیف رژیم میدانند. ولی این بهیچوجه معنای آن نیست که بهیچیک از دو جناح ارتجاعی و خائن به ملت امید ببندند و از او انتظار آزادی ایران را داشته باشند. آری امروز در یکطرف نیروهای رژیم جمهوری اسلامی (با جناحهای د رونی آن) به عنوان دشمن اصلی مردم ایران قرار گرفته و در طرف مخالف اکثریت قریب به اتفاق مردم و کلیه آزاد یخواهان ایران قرار دارند. بین این دو جنبه مخالف و متخاصم تضادی آشتی ناپذیر وجود دارد. آزاد یخواهان ایران و نیروهای د مکررات، ملی و مترقی اگر تمام هم خود را معطوف به مبارزه با این دشمن اصلی مردم ایران کنند، مطمئناً با وجود تمام اشکالات و اختلافات لزوم

بقیه دشمن اصلی . . .

اتحاد رادربین خود در خواهند یافت . این است کلید اصلی مبارزه برای آزادی ایران !

یادداشتها

۱ - در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۸۴ کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران در بیانیه‌ای اعلام نمود که در دگرگیری بیسند نیروهای حزب د مکررات کردستان ایران و کومله ، کومله ۳ اتن از اعضای خود را از دست داد هاست و حزب د مکررات کردستان در اطلاعیه ۱۱ دسامبر ۱۹۸۴ اظهارات نمایند که کومله را رد کرده و مسئولیت دگرگیری را بعهده کومله واگذار کرد . هم چنین تعداد کشته شدگان د و طرف را ۶ اتن اعلام نمود . در پایان اطلاعیه ، حزب د مکررات کردستان اظهار نمود که برای پایان دادن به دگرگیریها ، حزب د مکررات کردستان و کومله میبایست تمام نیروی خود را متوجه جنگ باد دشمن واقعی مردم ایران کنند و بیان کرد که ؛ جای تاسف و تأثیر بسیار است که پیشمرگان حزب د مکررات کردستان و کومله بجای اینکه در جنگ علیه رژیم جمهوری اسلامی شهید گردند در جنگ با یکدیگر بجنگ بیازند .

۲ - رجوع شود به یادداشتهای مقاله وظیفه آزاد بخوانان ایران چیست ؟ آزادی ایران شماره ۱

۳ - در تاریخ ۴ ماهه ۸۳ (۱۴ / ۲ / ۸۳) ولپیا مسالیوان ریاست سمیناری راتحت عنوان " انقلاب و مذهب انقلاب ایران و خاورمیانه " برعهده داشت . در پایان این سمینار ولپیا مسالیوان در پاسخ به سوال یکی از ایرانیان گفت : مردم مورد علاقه و مورد نظر ما برای ایران بهشتی بود . او هم قدرت و هم راییت اداره ایران را داشت . متأسفانه . . . او از میان بردند . (بنقل از مجاهد ۱۵۸ - ۹ تیر ۶۲)

بقیه ایران ، در . . .

تلفیغات د رراد بیوتلوویزیون و مطبوعات ادعای مبارزه با شرق و غرب را دارد و در این کتاب هم آمده است که " د جمهوری اسلامی جایی برای معاشات بایک ابر قدرت برای مبارزه با دگرگیری نیست . " هدف رژیم جمهوری اسلامی هم از انتشار این اسناد جز منحرف کردن افکار مردم از واقعیات و مشکلات روز افزون

درونی جامعه و سوق دادن این افکار به این که رژیم جمهوری اسلامی با تمام قدرتها بزرگ خارجی مخالف است نمیباشد . طی باگذشت زمان و آشکارتر شدن بهین از پیش روایط اقتصادی سیاسی رژیمها کشورها و قدرتها بزرگ خارجی که رژیم همیشه صحبت از مبارزه با آنها را دارد بار دیگر پوچی شعار " نه شرقی ، نه غربی " رژیم ، برهنگان روشن میشود .

شعر

ز گریه مرد چشم نشسته در خونست
بیاد لعل تو و چشم مست میگونست
ز مشرق سر کوی آفتاب طلعت تو
حکایت لب شیرین کلام فزها دست
دلچسب که قدرت همچو سرود لچوبست
زد و ریاد هبجان ، راحتس رسان ساقس
از آن زمان که ز چشم برفت رود عزیز
چگونه شاد شود اندرون نمگینم
بین که در طلبت حال مردمان چونست
ز جام هر ص لعلی که میخورم خونست
اگر طلوع کند طالع همایونست
شکج طره لیلی مقام مجنونست
سخن بگو که کلامت لطیف و موزونست
که رنج خاطر ما ز جور دور گردونست
کنار دیده من همچو رود جی چونست
با اختیار که از اختیار بیرونست

زی خودی طلب یار میکند حافظ
چو مفلسی که طلب کار گنج قارونست

« حافظ »



پرواز مرغان آزاد

آه . . .

تو چون مرغی اسیر دیندی و از دور
بر پرواز مرغان آزاد
مینگری

ومن . . .

د رشوق دید ارتو
د سرزمینی دگر
پرواز میکنم ،

تابسوی تو باز گردم . . .

« محروق »

پاریس ۳۰ / ۱۱ / ۸۴

تو دیده های ، در آسمان بلند
پرواز مرغان سبک بال آزاد را ؟
که چگونه باد بر بالهایشان
بوسه مینزد ؟
و شوق پرواز و آوای سرسستی و فرور را ؟
پرواز مرغان آزاد
بر موج باد و برهای سفید دور
میان انوار خورشید با مداد آن
که در افق ناپدید میشوند ؟

بقیه دشمن اصلی . . .

اتحاد رادربین خود در خواهند یافت . این است کلید اصلی مبارزه برای آزادی ایران !

یادداشتها

۱ - در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۸۴ کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران در بیانیه‌ای اعلام نمود که در دگرگیری بیسند نیروهای حزب د مکررات کردستان ایران و کومله ، کومله ۳ اتن از اعضای خود را از دست داد هاست و حزب د مکررات کردستان در اطلاعیه ۱۱ دسامبر ۱۹۸۴ اظهارات نمایند که کومله را رد کرده و مسئولیت دگرگیری را بعهده کومله واگذار کرد . هم چنین تعداد کشته شدگان د و طرف را ۶ اتن اعلام نمود . در پایان اطلاعیه ، حزب د مکررات کردستان اظهار نمود که برای پایان دادن به دگرگیریها ، حزب د مکررات کردستان و کومله میبایست تمام نیروی خود را متوجه جنگ باد دشمن واقعی مردم ایران کنند و بیان کرد که ؛ جای تاسف و تأثیر بسیار است که پیشمرگان حزب د مکررات کردستان و کومله بجای اینکه در جنگ علیه رژیم جمهوری اسلامی شهید گردند در جنگ با یکدیگر بجنگ بیازند .

۲ - رجوع شود به یادداشتهای مقاله وظیفه آزاد یخواهان ایران چیست ؟ آزادی ایران شماره ۱

۳ - در تاریخ ۴ ماهه ۸۳ (۱۴ / ۲ / ۸۳) ولپیا مسالیوان ریاست سمیناری راتحت عنوان " انقلاب و مذ هب انقلاب ایران و خاور میانه " برعهده داشت . در پایان این سمینار ولپیا مسالیوان در پاسخ به سوال یکی از ایرانیان گفت : مردم مورد علاقه و مورد نظر ما برای ایران بهشتی بود . او هم قدرت و هم رایت ا در ا را ایران را داشت . متأسفانه . . . او از میان بردند . (بنقل از مجاهد ۱۵۸ - ۹ تیر ۶۲)

بقیه ایران ، در . . .

تلفیغات د رراد بیوتلوویزیون و مطبوعات ادعای مبارزه با شرق و غرب را دارد و در این کتاب هم آمده است که " د جمهوری اسلامی جایی برای معاشات با یک ابر قدرت برای مبارزه با دگرگیری نیست . " هدف رژیم جمهوری اسلامی هم از انتشار این اسناد جز منحرف کردن افکار مردم از واقعیات و مشکلات روز افزون

درونی جامعه و سوق دادن این افکار به این که رژیم جمهوری اسلامی با تمام قدرتها بزرگ خارجی مخالف است نمیباشد . طی باگذشت زمان و آشکارتر شدن بهین از پیش روایط اقتصادی سیاسی رژیمها کشورها و قدرتها بزرگ خارجی که رژیم همیشه صحبت از مبارزه با آنها را دارد بار دیگر پوچی شعار " نه شرقی ، نه غربی " رژیم ، برهنگان روشن میشود .

شعر

ز گریه مرد چشم نشسته در خونست
بیاد لعل تو و چشم مست میگونست
ز مشرق سر کوی آفتاب طلعت تو
حکایت لب شیرین کلام فزها دست
دلچسب که قدرت همچو سرود لچوبست
زد و ریاد هبجان ، راحتس رسان ساقس
از آن زمان که ز چشم برفت رود عزیز
چگونه شاد شود اندرون نمگینم
بین که در طلبت حال مردمان چونست
ز جام هر ص لعلی که میخورم خونست
اگر طلوع کند طالع همایونست
شکج طره لیلی مقام مجنونست
سخن بگو که کلامت لطیف و موزونست
که رنج خاطر ما ز جور دور گردونست
کنار دیده من همچو رود جی چونست
با اختیار که از اختیار بیرونست

زی خودی طلب یار میکند حافظ
چو مفلسی که طلب کار گنج قارونست

« حافظ »



پرواز مرغان آزاد

آه . . .

تو چون مرغی اسیر دیندی و از دور
بر پرواز مرغان آزاد
مینگری

ومن . . .

د رشوق دید ارتو
د سرزمینی دگر
پرواز میکنم ،

تا بسوی تو بازگردم . . .

« محروق »

پاریس ۳۰ / ۱۱ / ۸۴

تو دیده های ، در آسمان بلند
پرواز مرغان سبک بال آزاد را ؟
که چگونه باد بر بالهایشان
بوسه مینزد ؟
و شوق پرواز و آوای سر مستی و فرور را ؟
پرواز مرغان آزاد
بر موج باد و برهای سفید دور
میان انوار خورشید با مداد آن
که در افق ناپدید میشوند ؟

رژیم خمینی = رایش سوم

جنایات رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زندانیان سیاسی و مخالفان خود و نقض ابتدائی ترین موازین حقوق بشر در ایران موضوع جدیدی نیست. اما گزارش ۱۱ اکتبر (۱۸ مهر ۶۳) سازمان صلیب سرخ بین المللی در مورد مشاهدات سمنایند ه خود از شورش اسرای عراقی در اردوگاه گرگان که منجر به کشته شدن حداقل ۶ اسیر عراقی و زخمی شدن تعداد زیادی از آنان بوسیله نگهبانان گشت در سطح بین المللی انعکاس و بازتاب وسیعی داشته است. به گفته آقای الکساندر هسی رئیس سازمان صلیب سرخ بین المللی: کشتن اسرای عراقی در گرگان تنها حادثه از این نوع نبود و بر طبق تحقیقات صلیب سرخ تاکنون حوادث مشابهی در اردوگاه های اسرای عراقی روی داده است.

مقامات رژیم جمهوری اسلامی در مورد حادثه اردوگاه اسرای عراقی با عمل انجام شده های روبرو گشته و مانند جانوری وحشی که در گوشه های گرفتار شده، برای دفاع از خود به حملات دیوانه واری دست زده است و برای رهایی خود از این محاصره صلیب سرخ راه جاسوسی برای عراق و آمریکا متهم میکند. به دنبال این حملات افترا آمیز در چند هفته اخیر نمایندگان سازمان صلیب سرخ بین المللی در تهران چندین بار به مرگ تهدید شده اند و رژیم ایران امید و اراست با تهدید و تحت فشار قرار دادن آنان صلیب سرخ را وادار به خروج داوطلبانها از ایران نماید. تا اینکه بدون مزاحمت هر طوری که میخواهد با اسرای عراقی رفتار کند.

همه میدانیم که آغاز جنگ ایران و عراق رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات بسیار تلاش کرده است تا با شستشوی مغزی و با زور سرنیزه اسرای عراقی را به اردوگاهها

ضد ولت عراق و طرفداری از رژیم جمهوری اسلامی وادار نماید و با کشاندن آنان در تظاهرات و راهپیمایی های نمایی مختلف و بهره برداری تبلیغاتی از آنان استفاده کند. بر طبق گزارشات و شواهد مختلف چنین برمی آید که سران رژیم در صد مدت حتی اسرای عراقی را به جبهه های جنگ اعزام نمایند و جبهه ساتا کون عده ای از آنان را نیز روانه جبهه ها کردند. بنا به گفته رفسنجانی سخنگوی شورای عالی دفاع رژیم " ما عراقیها را از خودمان میدانیم و فکری کنیم اکثریت آنها بجز گروهی بعثی که امید به آنها نیست باید در آیند در رخد مت اسلام قرار بگیرند و ما آنها را تربیت می کنیم."

(کیهان ۹ آبان ۱۳۶۳)

رفتار رژیم ایران با اسرای جنگی خود بر ضد اصول کنوانسیون ژنو است که خود ایران یکی از امضا کنندگان آن میباشد. یکی از مسئولان صلیب سرخ در ژنو با باز نمودن که بخاطر تمیاز آوردن از طرف هیچ دولتی سازمان صلیب سرخ تا این اندازه تحت فشار قرار گرفته باشد و مسئول دیگری ایران را با آلمان هیتلری مقایسه کرد که در جنگ جهانی دوم نازیها به نمایندگان سازمان صلیب سرخ اجازه دیدن اسرای روسی و زندانیان یهودی را ندادند.

در این رابطه در ۷ دسامبر سفرای کشورهای بازار مشترک در تهران از علی اکبر ولایتی وزیر خارجه ایران درخواست کردند جلسه ای تشکیل دهند تا بتوانند به حملات تبلیغاتی رژیم ایران و تلاش برای بی اعتبار ساختن صلیب سرخ اعتراض نمایند. این اعتراض بدنیال درخواست سازمان صلیب سرخ در تاریخ ۲۳ نوامبر از ۱۱۱ کشور امضا کنند و کنوانسیون ژنو در مورد سرنوشت نامعلوم ۵۰۰۰۰ اسیر عراقی در ایران میباشد.

تلاش برای فروش نفت بیشتر

از اواسط بهار اسال بعثت گسترش درگیرها و حملات جنگی به نفتکش های خارجی در منطقه خلیج فارس، صد ورنفت ایران به میزان قابل توجهی کاهش یافته و در نتیجه به اقتصاد کشور فشار زیادی وارد نمود. به گفته ناظران آگاه میزان ذخایر ارزی رژیم به سطح نگیران کنند های رسید مبطوریکه در عرض ۸ ماهه کمتر از نصف خود تقلیل یافته است. مقدار مبلغ این ذخایر که ۴ میلیارد دلار میباشد فقط کفاف کمی بیش از ۳ ماه واردات را میدهد. بنابراین برای رفع این بحران از اواسط اکتبر اسال رژیم جمهوری اسلامی برای جلب مشتری و فروش نفت تخم سبک خود تخفیفهای قابل توجهی (۲ الی ۲/۵ دلار از نرخ تعیین شده) و همچنین برای هر بشکه برده است. برای اطلاع خوانندگان لازم است متذکر شویم که مقدار تولید نفت خام در ایران که در مارس اسال ۲/۲ الی ۲/۳ میلیون بشکه در روز بود به ۷۵ / ۱ میلیون بشکه در روز در مساه اوت رسید. در همان زمان صادرات نفت از حدود ۲ / ۵ میلیون بشکه در روز به ۱ میلیون بشکه کاهش یافت. اگر رژیم جمهوری اسلامی از شروع سال جاری مقدار ۲ / ۵ میلیون بشکه در روز را صادر میکرد، درآمد حاصله از آن تا پایان اسال به ۲ میلیارد دلار میرسید. اما چنانچه در بالا گفته شده به دلیل ناامنی خلیج فارس و افزایش سوسام آورنخ بیمه، مقدار فروش نفت کاهش یافت و رژیم را با بحران ارزی مواجه ساخت.



آدرس جدید:

SAYADI
B.P. 211
92220 BAGNEUX
CEDEX, FRANCE

رژیم خمینی = رایش سوم

جنایات رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زندانیان سیاسی و مخالفان خود و نقض ابتدائی ترین موازین حقوق بشر در ایران موضوع جدیدی نیست. اما گزارش ۱۱ اکتبر (۱۸ مهر ۶۳) سازمان صلیب سرخ بین المللی در مورد مشاهدات سفنماینده خود از شورش اسرای عراقی در اردوگاه گرگان که منجر به کشته شدن حداقل ۶ اسیر عراقی و زخمی شدن تعداد زیادی از آنان بوسیله نگهبانان گشت در سطح بین المللی انعکاس و بازتاب وسیعی داشته است. به گفته آقای الکساندر هسی رئیس سازمان صلیب سرخ بین المللی: کشتن اسرای عراقی در گرگان تنها حادثه از این نوع نبود و بر طبق تحقیقات صلیب سرخ تاکنون حوادث مشابهی در اردوگاه های اسرای عراقی روی داده است.

مقامات رژیم جمهوری اسلامی در مورد حادثه اردوگاه اسرای عراقی با عمل انجام شده های روبرو گشته و مانند جانوری وحشی که در گوشه های گرفتار شده، برای دفاع از خود به حملات دیوانه واری دست زده است و برای رهایی خود از این محاصره صلیب سرخ راه جاسوسی برای عراق و آمریکا متهم میکند. به دنبال این حملات افترا آمیز در چند هفته اخیر نمایندگان سازمان صلیب سرخ بین المللی در تهران چندین بار به مرگ تهدید شده اند و رژیم ایران امید و اراست با تهدید و تحت فشار قرار دادن آنان صلیب سرخ را وادار به خروج داوطلبانها از ایران نماید. تا اینک بدون مزاحمت هر طوری که میخواهد با اسرای عراقی رفتار کند.

همه میدانیم که آغاز جنگ ایران و عراق رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات بسیار تلاش کرده است تا با شستشوی مغزی و با زور سرنیزه اسرای عراقی را به اردوگاهها

ضد ولت عراق و طرفداری از رژیم جمهوری اسلامی وادار نماید و با کشاندن آنان در تظاهرات و راهپیمایی های نمایشی مختلف و بهره برداری تبلیغاتی از آنان استفاده کند. بر طبق گزارشات و شواهد مختلف چنین برمی آید که سران رژیم در صد و نود و پنج اسرای عراقی را به جبهه های جنگ اعزام نمایند و جبهه ساتاکون عده ای از آنان را نیز روانه جبهه ها کردند. بنا به گفته رفسنجان سیخنگوی شورای عالی دفاع رژیم " ما عراقیها را از خودمان میدانیم و فکر می کنیم اکثریت آنها بجز گروهی بعثی که امید به آنها نیست باید در آیند و در خدمت اسلام قرار بگیرند و ما آنها را تربیت می کنیم."

(کیهان ۹ آبان ۱۳۶۳)

رفتار رژیم ایران با اسرای جنگی خود بر ضد اصول کنوانسیون ژنو است که خود ایران یکی از امضا کنندگان آن میباشد. یکی از مسئولان صلیب سرخ در ژنو با باز نمودن که بخاطر تمسک آوردن از طرف هیچ دولتی سازمان صلیب سرخ تا این اندازه تحت فشار قرار گرفته باشد و مسئول دیگری ایران را با آلمان هیتلری مقایسه کرد که در جنگ جهانی دوم نازیها به نمایندگان سازمان صلیب سرخ اجازه دیدن اسرای روسی و زندانیان یهودی را ندادند.

در این رابطه در ۷ دسامبر سفرای کشورهای بازار مشترک در تهران از علی اکبر ولایتی وزیر خارجه ایران درخواست کردند جلسه ای تشکیل دهند تا بتوانند به حملات تبلیغاتی رژیم ایران و تلاش برای بی اعتبار ساختن صلیب سرخ اعتراض نمایند. این اعتراض بدنبال درخواست سازمان صلیب سرخ در تاریخ ۲۳ نوامبر از ۱۱۱ کشور امضا کنند ه کنوانسیون ژنو در مورد سر نوشت نامعلوم ۵۰۰۰۰ اسیر عراقی در ایران میباشد.

تلاش برای فروش نفت بیشتر

از اواسط بهار اسال بعثت گسترش درگیرها و حملات جنگی به نفتکش های خارجی در منطقه خلیج فارس، صد و نود و پنج ایران به میزان قابل توجهی کاهش یافته و در نتیجه به اقتصاد کشور فشار زیادی وارد نمود. به گفته ناظران آگاه میزان ذخایر ارزی رژیم به سطح نگیران کنند های رسید مبطوریکه در عرض ۸ ماهه کمتر از نصف خود تقلیل یافته است. مقدار مبلغ این ذخایر که ۴ میلیارد دلار میباشد فقط کفاف کمی بیش از ۳ ماه واردات را میدهد. بنابراین برای رفع این بحران از اواسط اکتبر اسال رژیم جمهوری اسلامی برای جلب مشتری و فروش نفت تخم سبک خود تخفیفهای قابل توجهی (۲ الی ۲/۵ دلار از نرخ تعیین شده) و همچنین هر شش ماهه است متذکر برای اطلاع خوانندگان لازم است متذکر شویم که مقدار تولید نفت خام در ایران که در مارس اسال ۲/۵ الی ۳/۲ میلیون بشکه در روز بود به ۷۵ / ۱ میلیون بشکه در روز رسیده است. در همان زمان صادرات نفت از حدود ۲ / ۵ میلیون بشکه در روز به ۱ میلیون بشکه کاهش یافت. اگر رژیم جمهوری اسلامی از شروع سال جاری مقدار ۲ / ۵ میلیون بشکه در روز را صادر میکرد، درآمد حاصله از آن تا پایان اسال به ۲ میلیارد دلار میرسید. اما چنانچه در بالا گفته شد به دلیل ناامنی خلیج فارس و افزایش سوسام آور نرخ بیمه، مقدار فروش نفت کاهش یافت و رژیم را با بحران ارزی مواجه ساخته است.



آدرس جدید:

SAYADI
B.P. 211
92220 BAGNEUX
CEDEX, FRANCE

پرده برداری از

تنها ۳ میلیارد دلار از این مقدار را دولت ایران دریافت نمود و در توجیه این مسئله رفسنجانی ادعا کرد که: "۱۰۰۰ امام در مقابل جلوسادرات ۳ میلیارد هاشکفت به آمریکا را گرفتیم." (۱۳ آبان ۶۳ کیهان)

۳- "خط امام" و خط "استقلال"

همانگونه که بالا اشاره گردید تسخیر سفارت آمریکا و گروگانگیری، ناشی از جنگ قدرت و کشمکشهای جناحهای درونی حاکمیت بود. هاست و بعد از آن اختناق و سرکوب آزاد بهار و بزوز بیشتر اوج گرفت. علاوه بر آن تئوریسینهای رژیم پس از این عمل تمام کوشش خود را بکار بردند که ثابت کنند، رژیم خمینی رژیمی ضد امپریالیستی است. البته در رایسن رابطه "دانشجویان پیرو خط امام" گاه بنا بر مصلحت مواضع ضد و نقیضی را اتخاذ نمودند. آنان گاه از آن میگردند که دشمن اصلی آمریکا است و هرگونه کوچکترین انحرافی در این شعار صورت گیرد به نفع امپریالیسم آمریکا است و یا "مرد نه شرقی، نه غربی امام، نبرد با آمریکا است." و در مورد موضع نه شرقی و نه غربی در مصاحبه های اولیه خود چنین بیان میکردند:

"در مورد این شعار بسود غرب و به بهای عمد کردن شوروی بعنوان دشمن اصلی انحرافات صورت گرفته است. در حالیکه همانطور که ما فرموده است، دشمن اصلی ما شیطان بزرگ - جرشوم فساد - امپریالیسم آمریکا است. امام گفته است: هر چه فریاد در آید بر سر آمریکا جنايتکار بکشد. اگر چه ما تسخیر لانه جاسوسی راه خیلی از انحرافات است، اما بنظر من آید با توجه به یک رکود داخلی، در ارتد، شرقی را عمد میکنند در حالیکه مفهوم شعلر

نه شرقی، نه غربی رد هرگونه وابستگی است. فیدل کاسترو هرگز نگویا گفته است: در حقانیت انقلاب ایران همین بس که هر جا محرومیتی است طرفدار انقلاب است. ایران و هر جا قدرت مستکبری است مخالف انقلاب ایران است."

(۱۵/۱۳/۵۸ اطلاعات هشتاد و هشتاد و دانشجویان پیرو خط امام ۱۰۰۰)

و اما اکنون همین "دانشجویان پیرو خط امام" پس از گذشت ۵ سال بنا به دلایلی به افشای اسناد مربوط به ۳۰ سال مذاکره آمریکا و شوروی در ایران پرداخته و حتی در مقدمه اولین کتاب از سری اسناد لانه جاسوسی در رابطه با شوروی، با عنوان "شوروی شرق تجا و زگر" که شامل ۷ جلد میباشد و تنازگی ۲ جلد آن را منتشر کرده اند چنین می نویسند:

"امپریالیسم و کمونیسم ووازمظاهر متضاد، جدای از مفاهیم کلاسیکشان دو نمود از یک انگیزه ماند برای یک هدف تلاش میکنند و آن قطع انسانیت از انسان است و هدایت به وادی حیوانیت. هر دو افکار راه بردگی خود و هر دو بردگی خدا می کشند و تفاوتی نمیکند که این بردگی

دوستان عزیز خواننده:

هیئت تحریر آزادی ایران با اعتقاد به اصول مکرانیک و آزاد یخواهان و در هر نوع خشک اندیشی و دمگرائی غالبی، به نظریات مخالف احترام میگذارد. ما امید داریم که تنهاد ریک جو سالم و مکرانیک از طریق برخورد عقاید گوناگون و متضاد است که حقیقت عیان میگردد و تفکر صحیح راه خود را میگذشاید. برای ما نامه نویسی و ما را از پیششهادت و انتقادات خود - در مورد نشریه آزادی ایران - مطلع کنید. ما به عقاید و اعتقاد

بردگی آمریکا باشد یا شوروی، بر بردگی امپریالیسم یا بردگی کمونیسم."

(نقل از کیهان ۱۹ آبان ۶۳)
پس همانگونه که می بینیم "دانشجویان پیرو خط امام" بنا به دلایلی به سرخ روز نان میخورند برای آنکه پس از ۵ سال ثابت کنند که رژیم خمینی مستقل از قدرتها بزرگ است، ناگهان به یار کشف اسناد سری در رابطه با "شرق تجا و زگر" افتاد هاند. در صورتیکه در مورد وابسته بودن رژیم ارتجاعی خمینی همین بس که هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصاد ی در جهت منافع خاصی وابسته قدرتها ی خارجی میباشد.

خواننده عزیز، تئوریسینهای رژیم با اشغال سفارت آمریکا اهداف خاصی را در سر داشتند. که به آن جامه عمل نیز پوشاندند. در این مقاله کوچک به نکاتی چند اشاره گردید. بحث در این زمینه فراوان است و بسیاری از ناگفتنی ها باقی است که امید داریم در فرصتهای بعدی به آن اشاره گردد. البته هر نوع نظریه جدید و یا انتقادی در این زمینه را با کمال میل بازگو و بررسی خواهیم کرد.
س - بزرگمهر

شما ارج میگذاریم. شما میتواند هرگونه نظری را در باره مسائل ایران، اپوزیسیون و مردم مکرانی در آید، برای ما ارسال نمائید. مطمئن باشید کوشش میشود که نظرات شما را بدین سان سر منعکس کنیم. نشریه آزادی ایران متعلق به تمام آزاد یخواهان ایران است. ما هیچگونه شرط و قیدی را برای چاپ نظریات مختلف قایل نمیشویم و در حد امکان ت خود حاضر هستیم که زمینه عملی برخورد عقاید گوناگون مخالف را فراهم آوریم.

پرده برداری از ♦♦♦

تنها ۳ میلیارد دلار از این مقدار را دولت ایران دریافت نمود و در توجیه این مسئله رفسنجانی ادعا کرد که: "۱۰۰۰ امام در مقابل جلوسادرات ۳ میلیارد هاشکفت به آمریکا را گرفتیم." (۱۲ آبان ۶۳ کیهان)

۳- "خط امام" و خط "استقلال"

همانگونه که بالا اشاره گردید تسخیر سفارت آمریکا و گروگانگیری، ناشی از جنگ قدرت و کشمکشهای جناحهای درونی حاکمیت بود. هاست و بعد از آن اختناق و سرکوب آزاد بهار و بزوز بیشتر اوج گرفت. علاوه بر آن تئوریسینهای رژیم پس از این عمل تمام کوشش خود را بکار بردند که ثابت کنند، رژیم خمینی رژیمی ضد امپریالیستی است. البته در رایسن رابطه "دانشجویان پیرو خط امام" گاه بنا بر مصلحت مواضع ضد و نقیضی را اتخاذ نمودند. آنان گاه از آن میکردند که دشمن اصلی آمریکا است و هرگونه کوچکترین انحرافی در این شعار صورت گیرد به نفع امپریالیسم آمریکا است و بیامرد نه شرقی، نه غربی امام، نبرد با آمریکا است. "و در مورد موضع نه شرقی و نه غربی در مصاحبههای اولیه خود چنین بیان میکردند:

"در مورد این شعار بسود غرب و به بهای عمد کردن شوروی بعنوان دشمن اصلی انحرافات صورت گرفته است. در حالیکه همانطور که ما فرموده است، دشمن اصلی ما شیطان بزرگ - جرشوم فساد - امپریالیسم آمریکا است. امام گفته است: هر چه فریاد در آید بر سر آمریکا جنايتکار بکشد. اگر چه ما تسخیر لانه جاسوسی راه خیلی از انحرافات است، اما بنظر من آید با توجه به یک رکود داخلی، در ارتد، شرقی را عمد میکنند در حالیکه مفهوم شعلر

نه شرقی، نه غربی رد هرگونه وابستگی است. فیدل کاسترو هرگز کما گفته است: در حقانیت انقلاب ایران همین بس که هر جا محرومیتی است طرفدار انقلاب است. ایران و هر جا قدرت مستکبری است مخالف انقلاب ایران است."

(۱۵/۱۳/۵۸ اطلاعات هشتصد دانشجویان پیرو خط امام ۰۰۰)

و اما اکنون همین "دانشجویان پیرو خط امام" پس از گذشت ۵ سال بنا به دلایلی به افشای اسناد مربوط به ۳۰ سال مذاکره آمریکا و شوروی در ایران پرداخته و حتی در مقدمه اولین کتاب از سری اسناد لانه جاسوسی در رابطه با شوروی، با عنوان "شوروی شرق تجا و زگر" که شامل ۷ جلد میباشد و تنازگی ۲ جلد آن را منتشر کرده اند چنین می نویسند:

"امپریالیسم و کمونیسم ووازمظاهر متضاد، جدای از ما هم کلا میشان دو نمود از یک انگیزه ماند برای یک هدف تلاش میکنند و آن قطع انسانیت از انسان است و هدایت به وادی حیوانیت. هر دو افکار راه بردگی خود هر یک از خدای کشند و تفاوتی نمیکند که این بردگی

دوستان عزیز خواننده:

هیئت تحریر آزادی ایران با اعتقاد به اصول مکرانیک و آزاد یخواهان و در هر نوع خشک اندیشی و دمگمگرائی غالبی، به نظریات مخالف احترام میگذارد. ما امید داریم که تنهاد ریک جو سالم و مکرانیک از طریق برخورد عقاید گوناگون و متضاد است که حقیقت عیان میگردد و تفکر صحیح راه خود را میگذشاید. برای ما نامه نویسی و ما را از پیششنهادات و انتقادات خود - در مورد نشریه آزادی ایران - مطلع کنید. ما به عقاید و اعتقاد

بردگی آمریکا باشد یا شوروی، بر بردگی امپریالیسم یا بردگی کمونیسم."

(نقل از کیهان ۱۹ آبان ۶۳)
پس همانگونه که می بینیم "دانشجویان پیرو خط امام" بنا به دلایلی به سرخ روز نان میخورند برای آنکه پس از ۵ سال ثابت کنند که رژیم خمینی مستقل از قدرتها بزرگ است، ناگهان به یار کشف اسناد سری در رابطه با "شرق تجا و زگر" افتاد هاند. در صورتیکه در مورد وابسته بودن رژیم ارتجاعی خمینی همین بس که هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصاد ی در جهت منافع خاصی وابسته قدرتها ی خارجی میباشد.

خواننده عزیز، تئوریسینهای رژیم با اشغال سفارت آمریکا اهداف خاصی را در سر داشتند. که به آن جامه عمل نیز پوشاندند. در این مقاله کوچک به نکاتی چند اشاره گردید. بحث در این زمینه فراوان است و بسیاری از ناگفتنیها باقی است که امید داریم در فرصتهای بعدی به آن اشاره گردد. البته هر نوع نظریه جدید و یا انتقادی در این زمینه را با کمال میل بازگو و بررسی خواهیم کرد.
س - بزرگمهر

شما ارج میگذاریم. شما میتوانید هرگونه نظری را در باره مسائل ایران، اپوزیسیون و مردم مکرانی در آید، برای ما ارسال نمائید. مطمئن باشید کوشش میشود که نظرات شما را بدون سانسور منعکس کنیم. نشریه آزادی ایران متعلق به تمام آزاد یخواهان ایران است. ما هیچگونه شرط و قیدی را برای چاپ نظریات مختلف قایل نمیشویم و در حد امکان خود حاضر هستیم که زمینه عملی برخورد عقاید گوناگون مخالف را فراهم آوریم.

ایران، در ماهی که گذشت

وضع آوارگان جنگی

"جنگد در اس همه" امرواست.

هنوز هم این گفته خمینی سرلوحه کار اکثر مسئولین رژیم جمهوری اسلامی است. اما با ادامه و طولانی تر شدن جنگ که بود جهتی ربه خود اختصاص داده روز بروز بر مشکلات ناشی از آن که بردوش اکثر مردم ایران میباشد، افزوده میشود. یکی از این مشکلات فراوان سلبه آوارگان جنگی است که منتها تا کسوف قدی برای بهبود وضع آنان برداشته نشده، بلکه همواره وضع آنان وخیم تر میشود.

هم اکنون در حدود ۳ میلیون آواره جنگی در نقاط مختلف ایران وجود دارند که مجبورند با حداقل امکانات در بدترین شرایط زندگی کنند. آنان تاکنون چندین بار دست به تظاهراتی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و ادامه جنگ زد مانند وضع آوارگان جنگی چنان اسفبار است که حتی نمایند هخرمشهر در مجلس مجبور میشود به گوشه کوچکی از این رابطه رکبمان ۱۰ آذر یونس محمدی نمایند هخرمشهر با اشاره به اینکه مشکلات آوارگان هر روز فزونی یافته و پیچیده تر میشود همچنان لا ینحل باقی ماند هاست میگوید:

"در سال ۶۳ بود جهای که برای مهاجرین تصویب شد، چهار میلیارد و دو بیست میلیون تومان بود که های را خود کفایه بقیه هرنفرد رحدود ۱۱ تومان و دریاال میرسد که باید بوسیله آن غذا و پوشاک و دارو و لوازم خانگی و لوازم تحصیلی و دهها هزینه دیگر را تامین کنند. آیا میتوان با این مبلغ ناچیز زندگی یک

انسان را اداره کرد؟

وی در ادامه سخنانش میافزاید:

"به مسئولین بنیاد میگویم چرا جیره مهاجرین را قطع کردهاید، چرا مشکل سکن و اشتغال را هنوز نتوانستهاید حل کنید میگویند بودجه کم است. متاسفانه برای سال آینده مبلغ ۳ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان در رهیت دولت تصویب شد که از بودجه ارسال کمتر است و این وجود هزاران مشکل جنگزدگان لا ینحل باقی میماند." او در ادامه سخنان خود به بزرگترین مشکل مهاجرین که حکم تخلیه سکن آنهاست اشاره نمود و گفت:

"آوارگان جنگی تاکنون یاد رخوا بگاهاها و خانههای متعلق به نهادها و ادارات و اشخاص زندگی کرده اند که مرتباً از طرف بعضی از آنها جهت تخلیه در فشار هستند و متاسفانه قوه قضائیه من توجه به مصیبت آنها مرتباً حکم تخلیه صفا در می کنند و مشکلاتشان می افزایشد، و یا در چادرها و کپرهای زندگی میکنند و چند نفر در یک اتاق و گاهی چند خانواده در یک اتاق و این وضع قابل تحمل نیست. در پایان وی از مسئولین بنیاد امور مهاجرین تقاضا کرد که از قطع جیره مهاجرین را شدیدا انگران و ناراحت کرده و در فشار قرار داده خود داری کنند.

شنیدن این سخنان از زبان یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که تنها گوشه کوچکی از واقعیت را عیان میکند، شلن میدهد که وضع آوارگان جنگی چه نند ازه وخیم و اسفناک است.

آری مشکلات آوارگان جنگی مهمل ماهم یکی از انبوه مشکلات درونی جامعه میباشد که رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه بنا بر ماهیت درونی خویش قادر به حل آنان است.

تشدید اختلافات در

سپاه پاسداران

در چند ماه اخیر یعنی پس از به اجرا گذاشتن طرح سازماندهی جدید سپاه پاسداران در مهرماه، اختلافات درونی سپاه پاسداران شدیدا پیدانموده است، بر طبق این سازماندهی، رژیم از طریق سپاه نیروی بیشتری ربه جبهه های جنگ اعزام داشته و نظم و نظایط سخت تر و شدیدتری را در بین آنان برقرار کرده و این مسئله باعث بروز این تضادها گردیده است. این اختلافات بدون شك از رقابت و کشمکش جناحهای درونی رژیم بر سر کسب قدرت، نمیتواند جدا باشد. تشدید این تضادها در سپاه پاسداران به عنوان بازوی مسلح و حافظ منافع رژیم، وحشت سردمداران رژیم فراهم آورده است. زیرا احاد شدن این اختلافات، ارکان حکومت را متزلزل کرده و به واژگونی آن کمک خواهد نمود. بطوریکه خامنه ای در رسمینل مشترک نمایندگان خمینی و فرماندهان سپاه پاسداران در ۶ آذر ۶۳ نگرانی خود را چنین بیان میکند: "بخوبی احساس میشود که دستهای در صدند تا از خارج سپاه، اختلافات را در سپاه تزریق کرده و انسجام نیروهای مومن و فدایا را تضعیف کنند." او اینگونه سخنانش ادامه میدهد: "سپاهیک نیروی دارای تفکر و اندیشه سیاسی است اما این مسئله با وابستگی باندها و جریانهای سیاسی باید تمیز داده شود و به هیچوجه رتشکیلات سپاه اثر نگذارد. هیچ شایبه ای نباید یکپارچگی سپاه را مختل کند."

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ آذر ۶۳) ورفسنجانی در طی دیداری که هفت روز با گروه فوق به عمل میآورد، میگوید: "یکی از ساد هاند پیشیهای که از افراد با حسن نیت

ایران، در ماهی که گذشت

وضع آوارگان جنگی

"جنگد در اس همه" امرواست.

هنوز هم این گفته خمینی سرلوحه کار اکثر مسئولین رژیم جمهوری اسلامی است. اما با ادامه و طولانی تر شدن جنگ که بود چه عظیمی رابه خود اختصاص داده روز بروز بر مشکلات ناشی از آن که بردوش اکثر مردم ایران میباشد، افزوده میشود. یکی از این مشکلات فراوان مسئله آوارگان جنگی است که منتها تا کسوف قدسی برای بهبود وضع آنان برداشته نشده، بلکه همواره وضع آنان وخیم تر میشود.

هم اکنون در حدود ۲ میلیون آواره جنگی در نقاط مختلف ایران وجود دارند که مجبورند با حداقل امکانات در بدترین شرایط زندگی کنند. آنان تاکنون چندین بار دست به تظاهراتی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و ادامه جنگ زد مانند وضع آوارگان جنگی چنان اسفبار است که حتی نمایند هخرمشهر در مجلس مجبور میشود به گوشه کوچکی از این رابطه در کیهان ۱۰ آذر یونس محمدی نمایند هخرمشهر با اشاره به اینکه مشکلات آوارگان هر روز فزونی یافته و پیچیده تر میشود همچنان لا ینحل باقی ماند هاست میگوید:

"در سال ۶۳ بود جهای که برای مهاجرین تصویب شد، چهار میلیارد و دو بیست میلیون تومان بود که هادی را خود کفایه بقیه هر نفر در حدود ۱۱۰ تومان و دریاال میرسد که باید بوسیله آن غذا و پوشاک و دارو و لوازم خانگی و لوازم تحصیلی و دهها هزینه دیگر را تامین کنند. آیا میتوان با این مبلغ ناچیز زندگی یک

انسان را اداره کرد؟

وی در ادامه سخنانش میافزاید:

"به مسئولین بنیاد میگویم چرا جیره مهاجرین را قطع کرده اید، چرا مشکل سکن و اشتغال را هنوز نتوانسته اید حل کنید میگویند بودجه کم است. متاسفانه برای سال آینده مبلغ ۳ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان در رهیت دولت تصویب شد که از بودجه ارسال کمتر است و این وجود هزاران مشکل جنگزدگان لا ینحل باقی میماند." او در ادامه سخنان خود به بزرگترین مشکل مهاجرین که حکم تخلیه سکن آنهاست اشاره نمود و گفت:

"آوارگان جنگی تاکنون یاد رخوا بگاهاها و خانههای متعلق به نهادها و ادارات و اشخاص زندگی کرده اند که مرتباً از طرف بعضی از آنها جهت تخلیه در فشار هستند و متاسفانه قوه قضائیه بدون توجه به مصیبت آنها مرتباً حکم تخلیه صادر می کنند و مشکلاتشان می افزاید، و یا در جادهها و کپرهای زندگی میکنند و چند نفر در یک اتاق و گاهی چند خانواده در یک اتاق و این وضع قابل تحمل نیست و در پایان وی از مسئولین بنیاد امور مهاجرین تقاضا کرد که از قطع جیره که مهاجرین را شدیداً آنگران و ناراحت کرده و در فشار قرار داده و بخود داری کنند.

شنیدن این سخنان از زبان یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که تنها گوشه کوچکی از واقعیت را عیان میکند، شلن میدهد که وضع آوارگان جنگی چه اندازه وخیم و اسفناک است.

آری مشکلات آوارگان جنگی مهمل ماهم یکی از انبوه مشکلات درونی جامعه میباشد که رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند و نمینماید بر ماهیت درونی خویش قادر به حل آنان است.

تشدید اختلافات در

سپاه پاسداران

در چند ماه اخیر یعنی پس از به اجرا گذاشتن طرح سازماندهی جدید سپاه پاسداران در مهرماه، اختلافات درونی سپاه پاسداران شدت پیدا نموده است، بر طبق این سازماندهی، رژیم از طریق سپاه نیروی بیشتری رابه جبهه های جنگ اعزام داشته و نظم و نظایط سخت تر و شدیدتری را در بین آنان برقرار کرده و این مسئله باعث بروز این تضادها گردیده است. این اختلافات بدون شك از رقابت و کشمکش جناحهای درونی رژیم بر سر کسب قدرت، نمیتواند جدا باشد. تشدید این تضادها در سپاه پاسداران به عنوان بازوی مسلح و حافظ منافع رژیم، وحشت سردمداران رژیم فراهم آورده است. زیرا احاد شدن این اختلافات، ارکان حکومت را متزلزل کرده و به واژگونی آن کمک خواهد نمود. بطوریکه خامنه ای در رسمینار مشترک نمایندگان خمینی و فرماندهان سپاه پاسداران در ۶ آذر ۶۳ نگرانی خود را چنین بیان میکند: "بخوبی احساس میشود که دستهای در صدند تا از خارج سپاه، اختلافات را در سپاه تزریق کرده و انسجام نیروهای مومن و فدایا را تضعیف کنند." او اینگونه سخنانش ادامه میدهد: "سپاهیک نیروی دارای تفکر و اندیشه سیاسی است اما این مسئله با وابستگی باند ها و جریانهای سیاسی باید تمیز داده شود و به هیچ وجه رتشکیلات سپاه اثر نگذارد. هیچ شائبه ای نباید یکپارچگی سپاه را مختل کند."

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ آذر ۶۳) ورفسنجانی در طی دیداری که همانروز با گروه فوق به عمل میآورد، میگوید: یکی از ساد هاند پیشیهای که از افراد با حسن نیت

سرمیزند و باید مواظب بود، آن است که در شرایط جنگی فعلی اتحاد و اتفاق مثل نان شب و مثل گلوله سرپا زد رجال افند ضرورت دارد. اگر خدای ناگرد هاین اتحاد بین ارتش و سپاه و بین ارتش و بسیج و زاندر امری و شهرداری و بین کمیته و سپاه و بین افراد خود سپاه و افراد خود ارتش و غیره مخدوش شود، بسیار خطرناک است. می بینیم چگونه رهبران رژیم از حاد شدن هرگونه اختلافی که موقعیت آنان لطمه وارد نماید، وحشت زد میشوند. آنان در گفته های خود از ایجاد وحدت و اتحاد بین خود صحبت کرد و تلاش و کوشش فراوانی به عمل می آورند تا از دامن زد ن به اختلافات بین خود، جلوگیری نمایند. اما با توجه به موضع گیری رهبران رژیم جمهوری اسلامی در قبالی رویدادها و تصمیم گیری های اساسی سیاسی داخلی از قبیل جنگ، ملی کردن بازرگانی خارجی تقسیم اراضی مزروعی و... مشاهده می کنیم که علی رغم این تلاشها، اختلافات و تضاد های آنان به صورت د و جناح عمده رقیب، متخاصم و آشتی ناپذیر درون رژیم متبلور می باشد.

شگرد تازه رژیم

بود جمع عمومی ارائه شد از طرف دولت موسوی برای سال آینده، نسبت به سال ۶۳، ۳ میلیارد ریال کسری دارد. رژیم خمینی برای جبران این کسری بودجه به راه های مختلفی متوسل شد. از جمله بانکی رئیس برنامه بودجه رژیم در گفتگوش اختصاصی با کیهان اعتراف میکند: "برای جبران کسری بودجه ولین و تنهاترین و سالمترین راه افزایش درآمدها مالیاتی است. ما باید بالاخره به این مسئله تن بدیم که گرفتن مالیات واجب است و باید این فرهنگ مملکت که همیشه از مالیات فرار میکرد، تغییر کند. این

مهمترین کار است ما می گاه اینکار نشد ه به یک سری مالیاتهای غیر مستقیم و درآمد های غیر مستقیم می آوریم. که ما اسسال نیز در بودجه این کار می آوریم و این سلما به تراز استقراض و استفاده از نفت میباشد." (کیهان ۷ آذر ۶۳)

روشن است که فشار عظیم این مالیاتها طبق معمول بردوش طبقات متوسط و زحمتکش جامعه خواهد بود. اما اخذ مالیات "تنهاترین" راه برای جبران کسری بودجه نیست بلکه رژیمها موز دیگری دست به شگرد های دیگری زد هاست.

چنانچه وایل سال تحصیلی جاری از طرف آموزش و پرورش طرحی ارائه شد که به موجب آن اولیادانش آموزان با اصطلاح برای مشارکت در امور مدارس موظف به پرداخت شهریه شدند. ولی این امر با اعتراض مردم روبرو شد و با شکست مواجه گردید. اینبار نیز رژیم برای جبران کسری بودجه اش به "ابتکار" دیگری دست زد ه و در این رابطه ناطق نوری وزیر کشور رینگ کفرانسیس مطبوعات بعد از سخنانی در رابطه با طرح خود کفای شهر داریها و اینکه مردم مهر شهری باید بودجه شهر داری را تامین کند گفت: "بیت المال بودجه کشور فقط مختص شهر داری نیست و روستاها و بخشها و استانها نیز تعلق دارد. لذا این درست نیست بودجه ای که سهم همه ملت ایران است و روستائیانش اکثریت جمعیت را تشکیل میدهند، صرف خدمات شهری شود. بهترین است که خود مردم این بودجه را تامین کنند."

(کیهان ۱۴ آذر ۶۳)

مشاهده می کنیم چگونه رهبران رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی بهمانه "دلسوزی برای روستائیان و پاپیش کشیدن "مشارکت" مردم را موز کشور و در نتیجه با وارد آوردن فشار اقتصادی هر چه بیشتر به مردم، می خواهند راه گریزی برای جبران

کسری بودجه خود پیدا نمایند.

اسناد سری

"مذاکرات شوروی و آمریکا بر سر ایران"

در اطلاعات ۱۹ آبان به نقل از "دانشجویان پیرو خط امام" اعلام شد که اسناد سری مذاکره آمریکا و شوروی بر سر ایران طی ۷ جلد کتاب در دست انتشار است که ۲ جلد آن تحت عنوان "شوروی شرق تجا و زرگر" منتشر شده است. در این کتاب بیشتر شرح ملاقاتها و مذاکرات نمایندگان سفارت خانه های شوروی و آمریکا و اینکه این مذاکرات بر حواله منافع و کشور مذکور و میزده، همراه، با اسناد آمده است. با ارائه تمامی این اسناد رژیم کوشش کرد هاست که سیاست خود را سیاستی مستقل به مردم نشان دهد. ه سال است که از اشغال سفارت آمریکا توسط "دانشجویان پیرو خط امام" میگذرد و اکنون بر همگان روشن شده است که این عمل با نقشه قبلی وطنی یک برنامهریزی دقیق صورت گرفته بود. پس از اشغال سفارت آمریکا هر زمان که لازم میشد و موقعیت ایجاب میکرد که، یکی از احزاب، گروهها و شخصیت های سیاسی از گردونه رقابت خارج شوند، یکی از این اسناد در رابطه به مقتضای وضع و احوال آنان منتشر میشد. البته این امر جدا از تضاد های درون حاکمیت نبود. ولی نکته ای که قابل ذکر میباشد اینست که چرا پس از ه سال وارد اشتهن تمامی این اسناد "دانشجویان پیرو خط امام" تازه به فکر انتشار آنها افتاد هاند و اینبار هدف آنها از انتشار چنین اسنادی چیست؟ همانطور که در انیم رژیم جمهوری اسلامی با سعی و کوشش فراوان می خواهد خود را کشوری مستقل معرفی کند و در تمام بقیه د ر صفحه ۷

بقیه گزارش

در رابطه با نفعی دادگاه انقلابی (از جمله در کردستان و صدور حکم اعدام تعلیقی برای یکی از "توابین" توسط حزب کمونیست ایران) اعتراض نمود که چرا در رابطه با دادگاه تمام دادگاههای انقلابی را بیک چوب راند هاند و فرصت خواست تا ضمن پرسش سئوالات، نظرات خود را در این مورد تشریح نماید و ادامه داد که: در مورد محتوی حقوق بشر بحثی نیست باید دید نیروی متحرک اجتماعی و ضامن اجرای این حقوق بشر چه کسانی هستند و در مورد حکم دادگاهی که آقای حکمت اشاره کرده بودند توضیحاتی داد و همه مقاله‌ای که در این زمینه در نشریه کومه منتشر شده است، ارجاع کردند. آقای حکمت به ایشان جواب دادند که: "توانیم شما (کومه) از کجا میاید؟ ما محق نیستیم "توابین" را مجازات یا اعدام کنیم. ما در قوانین خود جرم بنام "توابین" نداریم. شما بدون اینکه قوانینی در جا معتمدین شود به مجازات دست زد هاید. حتی اگر این دادگاه خیلی د مکراتیک هم انجام شده، این خود کامگی است. بند ما اعسدام مخالفم، هر کس از مردم ایران میتواند نظری داشته باشد تا زمانیکه در محیطی د مکراتیک مردم ایران این قوانین را وضع نکرد هاند ما و شما حق اینگونه محاکمات را نداریم. اینجا حقوق بشر نقض شده است. (ولی البته اینکارا کار رژیم خمینی یکسان نیست.) در این مورد آقای لاهیجی نیز اضافه نمودند: هر کس حق تشکیل دادگاه هاند از دادگاه حق یک مرجع مستقل به طرف است. در ضمن تذکر داد شد که چون اینک قسمت سوالها سخبا است، در پایان در صورت وجود وقت به ایشان فرصت داده خواهد شد.

★ یکی دیگر از حضار سئوالات و نظرات خویش را چنین عنوان کرد: در مورد

چپ سنتی هم، همه رایک دید نگاه کردن غیر د مکراتیک است. شما ضمن محکوم کردن عمل دادگاههای انقلابی، چیزی جایگزین آنها نمی کنید، در کردستان با در نظر گرفتن آنکه منطقه‌ای آزاد شده است تکلیف این نیروهای انقلابی با ضد انقلاب چیست و حقوق بشر برای حل و فصل دعاوی آنجا چه پیشنهاد مشخص دارد و تکلیف این نیروها با اسرا چیست؟ و ادامه داد: گرسنه و سیر، تشنه و سیراب شده در مقابل حقوق بشر یکسان میباشد، بنظر من این غیر د مکراتیک است و یک بحث تجربیدی است. باید دید مکانیسمهای ضروری برای تحقق پیدا کردن د مکراسی واقعی چگونه حاصل میشود؟

در پاسخ به این سئوالات گفته شد: اگر من به چپ سنتی اشاره کردم دیدگاهها معینی را مد نظر دارم و این دیدگاهها شامل کسانی میشود که آن شیوه را در پیش گرفته اند. بنظر ما بدون وجود آزادبها و د مکراسی های ضروری رسیدن به د مکراسی اقتصادی، اجتماعی... نمیتواند انجام پذیرد. در چنین مواقعی از جمله در کردستان بنظر ما باید مقید به قوانین بین المللی و عهدنامه‌ها باشیم و تکلیف اسرا را طبق مقررات کنوانسیون ژنو مشخص نمائیم. در ضمن ما اعدا امر اعلی غیر انسانی می دانیم. همچنین آقای لاهیجی به طنز بیان کردند: فکر نکنید که حقوق بشر فقط حقوق مالیه الهی است. و به ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد کرده و تاکید نمودند که قاضی باید فردی متخصص و مستقل باشد. و در پاسخ به اینکه چه راه حلی برای کردستان پیشنهاد می کنید، گفتند: ما یک سازمان سیاسی که دارای برنامه‌های مشخص برای سرنگونی رژیم است، نیستیم. فعالیتهای ما جنبه حقوقی دارد و در حوزه‌ها مکانات جامعه‌های دفاع از حقوق بشر میباشد. ما آلترناتیو سیاسی نیستیم که برنا مبرای سرنگونی حکومتی

ارائه دیم. و این کار وظیفه سازمانهای سیاسی است.

★ در رابطه با مسئله کردستان خانم همانا نطق نیز نکاتی را یادآوری نمودند از جمله اینکه: امروز در کردستان همین گروه (کومه) با برپایی دادگاههای صالح، رفتار صحیح انسانی و شیوه د مکراتیک حتی موفق به جلب اعتماد برخی از پاسداران رژیم و افسران ارتش گردیده اند و آنان به آغوش نیروهای مبارز بازگشته و بر علیه رژیم مشغول فعالیتند و اشاره کردند که اتفاقا در کردستان به علت شرایط خاص و مبارزاتی که مردم علیه رژیم انجام میدهند، د مکراسی نسبت به نقاط دیگر پیشتر رعایت میشود. در ضمن ایشان خواهان محکوم کردن عمل حزب د مکرات کردستان در رابطه با د مکراسیهای اخیر شدند.

★ یکی دیگر از حاضرین در رابطه با د مکراسیهای اخیر حزب د مکرات کردستان ایران و کومه سوال نمود و خواهان محکوم کردن سبب این د مکراسیها شد. در جواب به مسائل و نظرات و سئوالات مطرح شد چنین پاسخ داد شد که ما د مکراسیها را بر حق مردم کردستان نیستیم و علاوه بر ارج نهادن بر مبارزات آنان آرزوی کنیم که بجای این د مکراسیها صلح برقرار شود و تمام نیروها بجای مبارزه علیه یکدیگر توجهشان به رژیم که اصل است، معطوف شود و بر همزیستی سلامت آمیز و همزیستی سیاسی گروههای موجود تاکید کرد و تصریح نمودند که در این مورد مدار و اسناد کافی از جانب د طرف باید در اختیارمان گذاشته شود تا قضاوت کرده و نظر دیم.

★ در این بخش از برنامه یکی از حاضرین در جلسه بالحن پرخاش گرانهای از گردانندگان برنامه سؤال نمود که: عملکرد جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در وسال گذشته چگونه و شما تا بحال چه کرده اید؟



بقیه گزارش ...

در رابطه با نفعی دادگاه انقلابی (از جمله در کردستان و صدور حکم اعدام تعلیقی برای یکی از "توابین" توسط حزب کمونیست ایران) اعتراض نمود که چرا در رابطه با دادگاه تمام دادگاههای انقلابی را بیک چوب راند هاند و فرصت خواست تا ضمن پرسش سئوالات، نظرات خود را در این مورد تشریح نماید و ادامه داد که: در مورد محتوی حقوق بشر بحثی نیست باید دید نیروی متحرک اجتماعی و ضامن اجرای این حقوق بشر چه کسانی هستند و در مورد حکم دادگاهی که آقای حکمت اشاره کرده بودند توضیحاتی داد و همه مقاله‌ای که در این زمینه در نشریه کومه منتشر شد است، ارجاع کردند. آقای حکمت به ایشان جواب دادند که: "توانیم شما (کومه) از کجا میاید؟ ما محق نیستیم "توابین" را مجازات یا اعدام کنیم. ما در قوانین خود جرم بنام "توابین" نداریم. شما بدون اینکه قوانینی در جا معتمدین شود به مجازات دست زد هاید. حتی اگر این دادگاه خیلی د مکرانیک هم انجام شده، این خود کامگی است. بند ما اعسدام مخالفم، هر کس از مردم ایران میتواند نظری داشته باشد تا زمانیکه در محیطی د مکرانیک مردم ایران این قوانین را وضع نکرد هاند ما و شما حق اینگونه محاکمات را نداریم. اینجا حقوق بشر نقض شده است. (ولی البته اینکارا کار رژیم خمینی یکسان نیست.) در این مورد آقای لاهیجی نیز اضافه نمودند: هر کس حق تشکیل دادگاه هراند از دادگاه حق یک مرجع مستقل به نظر است. در ضمن تذکر داد شد که چون اینک قسمت سوالها سخبا است، در پایان در صورت وجود وقت به ایشان فرصت داده خواهد شد.

★ یکی دیگر از حضار سئوالات و نظرات خویش را چنین عنوان کرد: در مورد

چپ سنتی هم، همه رایک دید نگاه کردن غیر د مکرانیک است. شما ضمن محکوم کردن عمل دادگاههای انقلابی، چیزی جایگزین آنها نمی کنید، در کردستان با در نظر گرفتن آنکه منطقه‌ای آزاد شده است تکلیف این نیروهای انقلابی با ضد انقلاب چیست و حقوق بشر برای حل و فصل دعاوی آنجا چه پیشنهاد مشخص دارد و تکلیف این نیروها با اسرا چیست؟ و ادامه داد: گرسنه و سیر، تشنه و سیراب شده در مقابل حقوق بشر یکسان میباشد، بنظر من این غیر د مکرانیک است و یک بحث تجربیدی است. باید دید مکانیسم‌های ضروری برای تحقق پیدا کردن د مکراسی واقعی چگونه حاصل میشود؟

در پاسخ به این سئوالات گفته شد: اگر من به چپ سنتی اشاره کردم دیدگاهها معینی را مد نظر دارم و این دیدگاهها شامل کسانی میشود که آن شیوه را در پیش گرفته اند. بنظر ما بدون وجود آزاد بیها و د مکراسی های ضروری رسیدن به د مکراسی اقتصادی، اجتماعی... نمیتواند انجام پذیرد. در چنین مواقعی از جمله در کردستان بنظر ما باید مقید به قوانین بین المللی و عهدنامه‌ها باشیم و تکلیف اسرا را طبق مقررات کنوانسیون ژنو مشخص نمائیم. در ضمن ما اعدا امر اعلی غیر انسانی می دانیم. همچنین آقای لاهیجی به طنز بیان کردند: فکر نکنید که حقوق بشر فقط حقوق مالیها است. و به ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد کرده و تاکید نمودند که قاضی باید فردی متخصص و مستقل باشد. و در پاسخ به اینکه چه راه حلی برای کردستان پیشنهاد می کنید، گفتند: ما یک سازمان سیاسی که دارای برنامه‌های مشخص برای سرنگونی رژیم است، نیستیم. فعالیتهای ما جنبه حقوقی دارد و در حوزه‌ها مکانات جامعه‌های دفاع از حقوق بشر میباشد. ما آلترناتیو سیاسی نیستیم که برنا مبرای سرنگونی حکومتی

ارائه دیم. و این کار وظیفه سازمانهای سیاسی است.

★ در رابطه با مسئله کردستان خانم همانا نطق نیز نکاتی را یادآوری نمودند از جمله اینکه: امروز در کردستان همین گروه (کومه) با برپایی دادگاههای صالح، رفتار صحیح انسانی و شیوه د مکرانیک حتی موفق به جلب اعتماد برخی از پاسداران رژیم و افسران ارتش گردیده اند و آنان به آغوش نیروهای مبارز بازگشته و بر علیه رژیم مشغول فعالیتند و اشاره کردند که اتفاقا در کردستان به علت شرایط خاص و مبارزاتی که مردم علیه رژیم انجام میدهند، د مکراسی نسبت به نقاط دیگر پیشتر رعایت میشود. در ضمن ایشان خواهان محکوم کردن عمل حزب د مکرانیک کردستان در رابطه با د مکرانیکهای اخیر شدند.

★ یکی دیگر از حاضرین در رابطه با د مکرانیکهای اخیر حزب د مکرانیک کردستان ایران و کومه سوال نمود و خواهان محکوم کردن سبب این د مکرانیکها شد. در جواب به مسائل و نظرات و سئوالات مطرح شد چنین پاسخ داد شد که ما د مکرانیکها را بر حق مرد کردستان نیستیم و علاوه بر ارج نهادن بر مبارزات آنها آرزوی کنیم که بجای این د مکرانیکها صلح برقرار شود و تمام نیروها بجای مبارزه علیه یکدیگر توجهشان به رژیم که اصل است، معطوف شود و بر همزیستی سلامت آمیز و همزیستی سیاسی گروههای موجود تاکید کرد و تصریح نمودند که در این مورد مدار و اسناد کافی از جانب د طرف باید در اختیارمان گذاشته شود تا قضاوت کرده و نظر دیم.

★ در این بخش از برنامه یکی از حاضرین در جلسه بالحن پرخاش گرانهای از گردانندگان برنامه سؤال نمود که: عملکرد جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در وسال گذشته چگونه و شما تا بحال چه کرده اید؟



بقیه گزارش‌های

در پاسخ به سؤال فوق آقای لا هیجی با فروتنی ضمن اشاره‌های کوتاه به فعالیت‌های جامعه‌های دفاع از حقوق بشر، گفتند در مقایسه با مبارزاتی که بر علیه رژیم برای آزادی ایران به ویژه در کردستان انجام می‌گیرد، اقدامات و فعالیت‌های ما هیچ است و با توجه به امکانات محدود و زمان چند رزمینه مادی و چنانچه از نظر نیروی انسانی آنچه که در حوزه فعالیت و توان ما است، دریغ نکردیم که قسمتی از این اقدامات در بولتن‌های منتشره از سوی دفترها هنگی منعکس شده‌اند که شما حتی زحمت خواندن اینها را هم بخورند و امیدواریم و اگر واقعا هدف از سؤال شما آگاهی از این اقدامات است، می‌توانید به بولتن‌ها رجوع کنید. در اینجا روی سؤال کنند هر که و گفتند: اما شما بگوئید چه کردید؟ (در این مورد زمزمه‌ها و سخنان کمی اوج گرفت و شدت یافت.) و فرد مذکور در باره سؤال خود را در قسمتی دیگر تکرار کرد و پرسید: تا بحال سه تا جامعه حقوق بشر داشته‌ایم، یکی مربوط به خانم مولود خانلری، دیگری مربوط به آقای متین رفتی و سومی هم شما داره می‌کنید، این کمیته‌ها و جامعه‌های حقوق بشر تا بحال چه کردید؟

که آقای لا هیجی پاسخ دادند: این همه سازمان‌های سیاسی داریم، سه تا هم جامعه دفاع از حقوق بشر داشته‌ایم، چه اشکالی دارد. اگر شما هم مایل هستید ما را از هر لحاظ که ممکن است در این راه یاری کنید و جای این صحبت‌ها بیایید با هم کار کنیم...

★ در قسمتی دیگری از حاضران با اشاره به نقش آقای بنی‌صدر در کردستان به میزگذاری هواداران وی در این جلسه اعتراض کرد که در مقابل آقای لا هیجی تاکید نمود که: هر کس می‌تواند اینجا میزبانی کند.

و اصلا هدف از برگزاری چنین جلساتی همین است که ما یاد بگیریم حضور مخالفان خود را هم تحمل کنیم و در کنار یکدیگر برای سایرین نیز حق قائل شویم و همه بتوانند آزادانه در محیطی آزاد از عقاید و نظرات خود دفاع نمایند.

★ در ضمن آقای خسرو شاکری نیز در قسمت پرسش و پاسخ در مقابل سخنان آقای حکمت که گفته بودند: عصر انقلاباً دیگر بر سر رسید ما است، این نظر را مردود دانسته و اظهار نظر نمودند، نباید چنین حکم‌آیدی و تاریخی را صادر کنیم تا مجبور نباشیم مانند گذشته نظراتمان را عوض کنیم.

در پایان به شخصی که در ابتدا در جلسه خواهان فرصت برای تشریح نظرات خود بود، فرصت داد شد تا صحبت نماید و از دیدگاه‌های مورد نظر خویش دفاع کند. و آقای لا هیجی اشاره کردند که: خلاصه اینجاست برای ما پرونده ضد کرد درست نکنید. ما مبارزات مردم کردستان علیه رژیم حمایت می‌کنیم ولی دفاع از حقوق بشر یک امر حقوقی است و فعالیت‌های ما همانگونه که قبلاً نیز بیان شد به هیچ وجه در خدمت سازمان معینی نیست.

البته همانگونه که خود آقای لا هیجی نیز اشاره کردند جامعه‌های دفاع از حقوق بشر مسلماً نمی‌توانند در چارچوب برنامه‌ها و اهداف خویش جوابگوی مشکلات بی‌شمار و تضادهای فراوان جامعه باشند و مدعی اینکار نیز نیستند و صرفاً با تکیه بر اصول و منشور حقوق بشر و میثاق‌های مکمل آن نمی‌توانند حکومتی ضد مردمی و ضد ملی را سرنگون ساخت. حتی واقعیات بسیار امروزه حاکی از این حقیقت است که این حقوق در بسیاری از نقاط دنیا نقض می‌شود و طبق آمار منتشره در سال گذشته چنانکه آقای لا هیجی عنوان کردند، فقط ۱۰ کشور در

جهان اصول حقوق بشر را رعایت کرده‌اند. ولی مسلم است که در امرنگونی رژیم فاشیستی - مذهبی جمهوری اسلامی هر گونه فعالیت و اقدامی که منجر به کسب آزادی بی‌شمار فردی و اجتماعی شود، می‌تواند ما را در راستای هدف مقصود یاری رساند. از اینرو فعالیت‌ها و اقدامات دفترها هنگی جامعه‌های دفاع از حقوق بشر قابل قدر است. جلسه روز و شنبه هم در سامبر نشانگر کوشش و اقدامات در جهت ارائه فکر حقوق بشر و احترام به نظریات دیگران بود و شیوه برخورد صحیح مجریان این برنامه قابل احترام است.

ما آرزو می‌کنیم که سایر نیروها نیز با آن درجه آزادی و آزادی‌اندیشی برسند که بتوانند در محیط‌های مختلف در کنار مخالفین سیاسی خود حضور یابند. تا خوب بود در کنار یکدیگر قرار گرفته و حقیقت بیان کرد و مردم خود قضاوت کنند که در راست چیست و نادرست کدام است؟ و نباید فراموش کنیم که همواره باید پشه‌های صحیح با برخورد نظریات مخالف و متضاد است که راه خود را می‌گشاید و تنه‌ها رجو و شرایط در مکرراتیک می‌باشد که استعدادها شکوفان می‌گردد.

در پایان لازم به تذکر است که چون این نوشته‌های حافظه و نقل به معنی از شنیده‌ها و یادداشت‌ها تهیه شده است، ممکن است در مواردی نقل قول‌ها دقیقاً ذکر نشده باشد. بدین جهت قبلاً از دست‌انسان شرکت کنند در جلسه و خوانندگان پیوزش خواسته می‌شود.

۲ - بهزادی



بقیه گزارش‌های

در پاسخ به سؤال فوق آقای لاهیجی با فروتنی ضمن اشاره‌های کوتاه به فعالیت‌های جامعه‌های دفاع از حقوق بشر، گفتند در مقایسه با مبارزاتی که بر علیه رژیم برای آزادی ایران به ویژه در کردستان انجام می‌گیرد، اقدامات و فعالیت‌های ماهیچ است و با توجه به امکانات محدود و زمان چند رزمینه مادی و چنانچه از نظر نیروی انسانی آنچه که در حوزه فعالیت و توان ماست، دریغ نکردیم که قسمتی از این اقدامات در بولتن‌های منتشره از سوی دفترها هنگی منعکس شده‌اند که شما حتی زحمت خواندن اینها را هم بخورند و امیدواریم و اگر واقعا هدف از سؤال شما آگاهی از این اقدامات است، می‌توانید به بولتن‌ها رجوع کنید. در اینجا روی سؤال کنند هر که و گفتند: اما شما بگوئید چه کردید؟ (در این مورد زمزمه‌ها و سخنان کمی اوج گرفت و شدت یافت.) و فرد مذکور در پاسخ سؤال خود را در قسمتی دیگر تکرار کرد و پرسید: تا بحال سه تا جامعه حقوق بشر داشتیم، یکی مربوط به خانم مولود خانلری، دومی مربوط به آقای متین دفتری و سومی هم شما داره می‌کنید، این کمیته‌ها و جامعه‌های حقوق بشر تا بحال چه کردید؟

که آقای لاهیجی پاسخ دادند: این همه سازمان‌های سیاسی داریم، سه تا هم جامعه دفاع از حقوق بشر داشتیم، چه اشکالی دارد. اگر شما هم مایل هستید ما را از هر لحاظ که ممکن است در این راه یاری کنید و جای این صحبت‌ها بیاید با هم کار کنیم...

★ در قسمتی دیگری از حاضران با اشاره به نقش آقای بنی‌صدر در کردستان به میزگذاری هواداران وی در این جلسه اعتراض کرد که در مقابل آقای لاهیجی تاکید نمود که: هر کس می‌تواند اینجا میزبانی کند.

و اصلا هدف از برگزاری چنین جلساتی همین است که ما یاد بگیریم حضور مخالفان خود را هم تحمل کنیم و در کنار یکدیگر برای سایرین نیز حق قائل شویم و همه بتوانند آزادانه در محیطی آزاد از عقاید و نظرات خود دفاع نمایند.

★ در ضمن آقای خسرو شاکری نیز در قسمت پرسش و پاسخ در مقابل سخنان آقای حکمت که گفته بودند: عصر انقلاباً دیگر بر سر رسید هاست، این نظر را مردود دانسته و اظهار نظر نمودند، نباید چنین حکم‌آیدی و تاریخی را صادر کنیم تا مجبور نباشیم مانند گذشته نظراتمان را عوض کنیم.

در پایان به شخصی که در ابتدا در جلسه خواهان فرصت برای تشریح نظرات خود بود، فرصت داد شد تا صحبت نماید و از دیدگاه‌های مورد نظر خویش دفاع کند. و آقای لاهیجی اشاره کردند که: خلاصه اینجاست برای ما پرونده ضد کرد درست نکنید. ما مبارزات مردم کردستان علیه رژیم حمایت می‌کنیم ولی دفاع از حقوق بشر یک امر حقوقی است و فعالیت‌های ما همانگونه که قبلاً نیز بیان شد به هیچ وجه در خدمت سازمان معینی نیست.

البته همانگونه که خود آقای لاهیجی نیز اشاره کردند جامعه‌های دفاع از حقوق بشر مسلماً نمی‌توانند در چارچوب برنامه‌ها و اهداف خویش جوابگوی مشکلات بی‌شمار و تضادهای فراوان جامعه باشند و مدعی اینکار نیز نیستند و صرفاً با تکیه بر اصول و منشور حقوق بشر و میثاق‌های مکمل آن نمی‌توانند حکومتی ضد مردمی و ضد ملی را سرنگون ساخت. حتی واقعیات بسیار امروزه حاکی از این حقیقت است که این حقوق در بسیاری از نقاط دنیا نقض می‌شود و طبق آمار منتشره در سال گذشته چنانکه آقای لاهیجی عنوان کردند، فقط ۱۰ کشور در

جهان اصول حقوق بشر را رعایت کرده‌اند. ولی مسلم است که در امرنگونی رژیم فاشیستی - مذهبی جمهوری اسلامی هر گونه فعالیت و اقدامی که منجر به کسب آزادی‌های فردی و اجتماعی شود، می‌تواند ما را در راستای هدف مقصود یاری رساند. از اینرو فعالیت‌ها و اقدامات دفترها هنگی جامعه‌های دفاع از حقوق بشر قابل قدر است. جلسه روز و شنبه هم در سامبر نشانگر کوشش و اقدامات در جهت ارائه فکر حقوق بشر و احترام به نظریات دیگران بود و شیوه برخورد صحیح مجریان این برنامه قابل احترام است.

ما آرزو می‌کنیم که سایر نیروها نیز با آن درجه آزادی و آزادی‌اندیشی برسند که بتوانند در محیط‌های مختلف در کنار مخالفین سیاسی خود حضور یابند. تا خوب بود در کنار یکدیگر قرار گرفته و حقیقت بیان کرد و مردم خود قضاوت کنند که در راست چیست و نادرست کدام است؟ و نباید فراموش کنیم که همواره باید پشه‌های صحیح با برخورد نظریات مخالف و متضاد است که راه خود را می‌گشاید و تنه‌ها رجو و شرایط در مکرراتیک می‌باشد که استعدادها شکوفان می‌گردد.

در پایان لازم به تذکر است که چون این نوشته‌های حافظه و نقل به معنی از شنیده‌ها و یادداشت‌ها تهیه شده است، ممکن است در مواردی نقل قول‌ها دقیقاً ذکر نشده باشد. بدین جهت قبلاً از دست‌انسان شرکت کنند در جلسه و خوانندگان پیوزش خواسته می‌شود.

۲ - بهزادی



بقیه از صفحه ۱ گزارشی:

درباره جلسه جامعه‌های دفاع از حقوق بشر

هموطنانمان مواجه گشت. این برنامه شامل سخنرانیهای پیرامون تاریخچه این اعلامیه و موقعیت و وضعیت حقوق بشر در ایران بود و "پرسش و پاسخ" پیرامون مسائل مطروح "پایان یافت". در این جلسه آقای لاهیجی بر عهد و داشتند. در ابتدا خانم ماندانا کلبادی در ارتباط با تاریخچه حقوق بشر مطالبی را قرائت کردند، سپس آقای لاهیجی در مورد حقوق بشر در ایران و موارد نقض آن در مراحل مختلف سخنانی ایراد نمودند و پس از ایشان آقای بیژن حکمت در مورد حقوق بشر و وضعیت آن در شرایط فعلی مطالبی را عنوان کردند. در پایان به سئوالات حاضرین در جلسه پاسخ داده شد و نظرات گوناگون در این مورد مطرح گردید.

در ابتدا باید به برگزارکنندگان این برنامه مبعث فضای آزاد و دموکراتیکی که بر این جلسه حکمفرما بود و کوششی که در جهت رعایت دموکراسی بعمل آمده، صمیمانه تبریک گفت. هدف از نوشتن این مطلب در واقع ارج نهادن به چنین کوشش ارزنده‌ایست که از یکطرف در جهت افشای جنایات رژیم و شناساندن ماهیت ضد دموکراتیک و نیرسانس آن میباشد و از سوی دیگر فراهم آوردن زمینه و فضای دموکراتیک و بیطرفانه‌ای است که در آن گروهها و سازمانها و افراد مختلف با طرز تفکرهای گوناگون بتوانند در کنار یکدیگر حضور بهم رسانند و رعایت اصول دموکراتیک به گفتگو و تبادل نظر سه ساله بپردازند. از این حیث جلسه فوق و نحوه برگزاری مجریان این گرد همایی، حائز اهمیت بود و ما بیهوده لگرمی و امیدواری آزادخواهان راستین و نیروهای دموکرات و مترقی است.

در ذیل قسمتهایی از سخنرانیها و نکاتی چند از جلسه فوق ذکر میگردد:

آقای لاهیجی در ابتدا سخنانشان به اهداف جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در معرفی جنایات رژیم خمینی، شرکت در کنفرانسها و جلسات، دادن اعلامیه‌ها و ارائه فکر حقوق بشر و انتشار بولتنی از فعالیتهای دفترها هنگی (هر سه ماه یکبار) و یکسری کارهای اداری و اماداری در زمینه دفاع از اوارگان بخصوص ورود پناهندگان اشاره نمودند و تاکید کردند که دفاع از زندانیان سیاسی در شرایط کنونی مسئله حیاتی و بزرگتری است که ما از دوما پیش فعالیتهای خود را در این زمینه بیشتر کردیم. همچنین تذکر دادند که جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در ایران نسبت به جریانات سیاسی ایران و جریانات بین‌المللی استقلال کامل دارند و فعالیتهای آنان به هیچوجه در خدمت سازمان معین یا ایدئولوژی مشخصی قرار ندارد. ایشان در بخشی دیگر از سخنانشان بیان کردند که با امروز دیگر رژیم جمهوری اسلامی در نظاربین‌المللی یکی از کشورهای نمونه و سرشناس در زمینه تجاوز، ظلم و تبعیض به جهانیان معرفی شده است، اما پس از انقلاب به مسئله حقوق بشر توجه نشد. بخصوص در آن روزهایی که ماشین اعدام رژیم با افتاد و کینه و عدوت و تسویه حساب همه جا جایگزین و جان‌نشین هراسناکی از حقوق بشر شد. متأسفانه کمبود کسانی که صدای اعتراض خود را بلند کنند. سپس، آقای بیژن حکمت نیز ضمن بیان مطالب مشروخی بر ضرورت همزیستی تمام جریانات سیاسی در کنار یکدیگر که دموکرات را رعایت میکنند، تاکید ورزید و گفتند بنظر

من تنها راه این است: باید فضای سیاسی برای برخورد اندیشه‌ها بوجود آوریم. و در قسمتی دیگر از سخنرانیشان این سؤال را مطرح کردند که: آیا نیروهای استبدادگرا فقط نیروهای وفادار به شاه و خمینی هستند؟ یا اینکه باید با هر نوع اندیشه و تفکر استبدادی تحت هر نام و برنامه‌ای مخالفت و مبارزه کرد؟ و هر کس یک برنامه استبدادی را مطرح کرد باید بر حسب قانون، حقوق وی را محدود و ساختند زیرا مبارزه با استبداد میتواند در بطن خود استبداد را بگریزاند یا آفریند. همانگونه که دیدیم شکست‌خیزان در پیروزی (مانند لا جوردی) به شکست‌گران امروزی بدل شده‌اند. و با آوردن نمونه‌هایی از ضرورت یک معیار حقوقی عام سخن را ندادند. ایشان بدنبال سخنانشان به "چپ سنتی" برخورد کردند که در مقابل حقوق بشر، حقوق دموکراتیک خلق را مطرح میکند و آنرا برای خلق میخواهد نبرای ضد خلق. و ادامه دادند که: هر انسان چه انقلابی، چه ضد انقلابی، چه مترقی و چه مرتجع، چه خلقی و چه ضد خلقی از حقوق مدنی مساوی برخوردار است. اگر گروه‌های دست‌نراستی به تظاهرات دست چپی‌ها حمله کنند، در آگاه نمیتواند حزب آنها را منحل کند و اگر گروه‌های چپی همه‌حزب دست راستی حمله کردند همانگونه باید اجرا شود و بعنوان مثال در مورد نیکاراگوئه گفتند: من هم در حالت نظامی آمریکا را محکوم میکنم و هم رفتار ساند نیستها را در انتخابات نسبت به پاپیالها.

پرسشها و پاسخها

در قسمت پرسش و پاسخ ابتدا یکی از حاضرین به قسمتی از سخنان آقای حکمت

بقیه از صفحه ۱ گزارشی:

درباره جلسه جامعه‌های دفاع از حقوق بشر

هموطنانمان مواجه گشت. این برنامه شامل سخنرانیهای پیرامون تاریخچه این اعلامیه و موقعیت و وضعیت حقوق بشر در ایران "بود و با" پرسش و پاسخ پیرامون مسائل مطروح "پایان یافت". در این جلسه آقای لاهیجی بر عهد و داشتند. در ابتدا خانم ماندانا کلبادی در ارتباط با تاریخچه حقوق بشر مطالبی را قرائت کردند، سپس آقای لاهیجی در مورد حقوق بشر در ایران و موارد نقض آن در مراحل مختلف سخنانی ایراد نمودند و پس از ایشان آقای بیژن حکمت در مورد حقوق بشر و وضعیت آن در شرایط فعلی مطالبی را عنوان کردند. در پایان سه سئوالات حاضرین در جلسه پاسخ داده شد و نظرات گوناگون در این مورد مطرح گردید.

در ابتدا باید به برگزارکنندگان این برنامه مبعث فضای آزاد و دموکراتیکی که بر این جلسه حکم فرما بود و کوششی که در جهت رعایت دموکراسی بعمل آمده، صمیمانه تبریک گفت. هدف از نوشتن این مطلب در واقع ارج نهادن به چنین کوشش ارزنده‌ایست که از یک طرف در جهت افشای جنایات رژیم و شناساندن ماهیت ضد دموکراتیک و نیرانسانی آن میباشد و از سوی دیگر فراهم آوردن زمینه و فضای دموکراتیک و بیطرفانه‌ای است که در آن گروهها و سازمانها و افراد مختلف با طرز تفکرهای گوناگون بتوانند در کنار یکدیگر حضور بهم رسانند و با رعایت اصول دموکراتیک به گفتگو و تبادل نظر سه‌ساله بپردازند. از این حیث جلسه فوق و نحوه برگزاری مجریان این گرد همایی، حائز اهمیت بود و ما بیهوده لگرمی و امیدواری آزادخواهان راستین و نیروهای دموکرات و مترقی است.

در ذیل قسمتهایی از سخنرانیها و نکاتی چند از جلسه فوق ذکر میگردد:

آقای لاهیجی در ابتدا سخنانشان به اهداف جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در معرفی جنایات رژیم خمینی، شرکت در کنفرانسها و جلسات، دادن اعلامیه‌ها و ارائه فکر حقوق بشر و انتشار بولتنی از فعالیتهای دفترها هنگی (هر سه ماه یکبار) و یکسری کارهای اداری و امادگی در زمینه دفاع از اوارگان بخصوص ورود پناهندگان اشاره نمودند و تاکید کردند که دفاع از زندانیان سیاسی در شرایط کنونی مسئله حیاتی و بزرگتری است که ما از دوما پیش فعالیتهای خود را در این زمینه بیشتر کردیم. همچنین تذکر دادند که جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در ایران نسبت به جریانات سیاسی ایران و جریانات بین‌المللی استقلال کامل دارند و فعالیتهای آنان به هیچوجه در خدمت سازمان معین یا ایدئولوژی مشخصی قرار ندارد. ایشان در بخشی دیگر از سخنانشان بیان کردند که با امروز دیگر رژیم جمهوری اسلامی در نظاربین‌المللی یکی از کشورهای نمونه و سرشناس در زمینه تجاوز، ظلم و تبعیض به جهانیان معرفی شده است، اما پس از انقلاب به مسئله حقوق بشر توجه نشد. بخصوص در آن روزهایی که ماشین اعدام رژیم با افتاد و کینه و عدوت و تسویه حساب همه جا جایگزین و جان‌نشین هراسناکی از حقوق بشر شد. متأسفانه کمبود کسانی که صدای اعتراض خود را بلند کنند. سپس، آقای بیژن حکمت نیز ضمن بیان مطالب مشروحی بر ضرورت همزیستی تمام جریانات سیاسی در کنار یکدیگر که دموکراسی را رعایت میکنند، تاکید ورزید و گفتند بنظر

من تنها راه این است: باید فضای سیاسی برای برخورد اندیشه‌ها بوجود آوریم. و در قسمتی دیگر از سخنرانیشان این سئوال را مطرح کردند که: آیا نیروهای استبدادگرا فقط نیروهای وفادار به شاه و خمینی هستند؟ یا اینکه باید با هر نوع اندیشه و تفکر استبدادی تحت هر نام و برنامه‌ای مخالفت و مبارزه کرد؟ و هر کس یک برنامه استبدادی را مطرح کرد باید بر حسب قانون، حقوق وی را محدود ساختند زیرا مبارزه با استبداد میتواند در بطن خود استبداد را بگریزاند. همانگونه که دیدیم شکست‌خیزان در پیروزی (مانند لا جوردی) به شکست‌گران امروزی بدل شده‌اند. و با آوردن نمونه‌هایی از ضرورت یک معیار حقوقی عام سخن را ندادند. ایشان بدنبال سخنانشان به "چپ سنتی" برخورد کردند که در مقابل حقوق بشر، حقوق دموکراتیک خلق را مطرح میکند و آنرا برای خلق می‌خواهد نه برای ضد خلق. و ادامه دادند که: هر انسان چه انقلابی، چه ضد انقلابی، چه مترقی و چه مرتجع، چه خلقی و چه ضد خلقی از حقوق مدنی مساوی برخوردار است. اگر گروه‌های دست‌نوازی به تظاهرات دست چپی‌ها حمله کنند، در آگاه می‌تواند حزب آنها را منحل کند و اگر گروه‌های چپی همه‌حزب دست راستی حمله کردند همانگونه باید اجرا شود و بعنوان مثال در مورد نیکاراگوئه گفتند: من هم در حالت نظامی آمریکا را محکوم میکنم و هم رفتار ساند نیستها را در انتخابات نسبت به پاپیالها.

پرسشها و پاسخها

در قسمت پرسش و پاسخ ابتدا یکی از حاضرین به قسمتی از سخنان آقای حکمت